



◀ پایه دهم

۸	Saving Nature: درس اول
۳۸	Wonders of Creation: درس دوم
۵۸	The Value of Knowledge: درس سوم
۷۴	Traveling the World: درس چهارم

◀ پایه یازدهم

۹۵	Understanding People: درس اول
۱۲۲	A Healthy Lifestyle: درس دوم
۱۴۹	Art and Culture: درس سوم

◀ پایه دوازدهم

۱۷۸	Sense of Appreciation: درس اول
۲۱۵	Look it Up!: درس دوم
۲۴۴	Renewable Energy: درس سوم
۲۷۴	پاسخنامه تشریحی
۴۰۵	کنکورهای ۹۸ (تجربی، ریاضی)
۴۱۴	واژگان بخش شنیداری و پنهان کتاب
۴۱۵	پاسخنامه کلیدی



Lesson two

Wonders of Creation

صفت

کلمات «زیبا»، «صبور»، «گران»، «ارزان»، «خوب»، «عصبانی» و غیره صفت هستند. ترجمه همین کلمات به انگلیسی هم «صفت» می‌شود؛ مثل «beautiful»، «patient»، «expensive»، «cheap»، «good»، «angry» و غیره. همه این کلمات برای توصیف اسم می‌آیند. در این درس جایگاه صفت، ترتیب صفات، صفت «تساوی»، «برتری» و «برترین» را یاد می‌گیریم.

جایگاه صفت

۱ قبل از اسم:

The **new secretary** doesn't like me. منشی جدید از من خوشش نمی‌آید.
 I had a **wonderful holiday** in Spain last year. سال پیش تعطیلات فوق‌العاده‌ای در اسپانیا داشتم.
 She lives in a **large flat** in New York. او در آپارتمان بزرگی در نیویورک زندگی می‌کند.
بعد از افعال اسنادی (ربطی):

am	is	are	was	were	be	smell	بودادن	taste	مزه‌دادن
seem	به نظر رسیدن	sound	به نظر رسیدن	look	به نظر رسیدن	appear	به نظر رسیدن		
get	شدن	grow	شدن	become	شدن	turn	شدن	go	شدن
stay	ماندن	remain	ماندن	feel	احساس کردن	prove	(از آب) درآمدن		

Ava looks **tired**. آوا خسته به نظر می‌رسد.
 Mary seemed **sad**. مری ناراحت به نظر می‌رسید.
 The cake tastes **good**. کیک مزه خوبی دارد.
 The train is very **slow**. قطار خیلی کند است.
 James grew **tired**. جیمز خسته شد.
 Sarah remained **calm**. سارا خونسردی‌اش را حفظ کرد.
 The milk went **bad**. شیر فاسد شد.
 The sea turned **rough**. دریا ناآرام شد.
 All his efforts proved **unsuccessful**. تمام تلاش‌هایش ناموفق از آب درآمد.
 ◀ اگر فعل جمله، جزء افعال اسنادی نباشد یا در معنای دیگری جز معنای اسنادی‌اش بیاید، از قید حالت استفاده می‌کنیم که معمولاً با اضافه کردن ly به صفت (صفت + ly) ساخته می‌شود، اما استثنائاتی هم وجود دارد که با ly ساخته نمی‌شود. مانند:
 fast → fast hard → hard good → well late → late
 Mark talked to me **angrily**. مارک با عصبانیت با من حرف زد.
 I tasted the food **carefully**. من به دقت غذا را چشیدم.
 Robert speaks **loudly**. رابرت بلند حرف می‌زند.
 He speaks English **well**. او انگلیسی را خوب حرف می‌زند.
 David walks very **fast**. دیوید خیلی سریع راه می‌رود.

◀ ممکن است برایتان سؤال پیش بیاید که پس **hardly** و **lately** چه هستند؟

hardly به معنی «به سختی، به ندرت» یک قید تکرار محسوب می‌شود، نه قید حالت و همیشه هم قبل از فعل اصلی به کار می‌رود. اما **hard** به عنوان قید حالت، بعد از فعل اصلی می‌آید.



Hamid **hardly** studies **hard**..... حمید به ندرت سخت درس می خواند.

He tried **hard** to find a job, but he had no luck..... او سخت برای یافتن یک شغل تلاش کرد، اما هیچ شانسی نداشت.

I'm not surprised he didn't find a job. He **hardly** tried to find one.

متعجب نیستم که او کاری پیدا نکرد. به ندرت تلاش کرد تا کاری پیدا کند.

lately به معنی «اخیراً» یک قید زمان محسوب می شود.

I was late..... من دیر کردم.
صفت

Have you seen Tom lately?..... آیا تام را اخیراً دیده اید؟
قید

انواع و اقسام صفت ها و نظم و ترتیبشان (کاس شرم چک)

برعکس زبان فارسی، که هر جور دلمان بخواهد صفات را در پشت اسم ردیف می کنیم، زبان انگلیسی در این زمینه بسیار سخت گیر است. به هیچ وجه نباید صفات به هم بخورد! به نظم و ترتیب صفات در جدول زیر دقت کنید:

اسم	کاربرد یا نوع	جنس	ملیت و مبدأ	رنگ	شکل	سن یا قدمت	اندازه یا طول	کیفیت یا توصیف عمومی
car	physics (teacher)	wooden	Italian	blue	round	new	tiny	excellent
house	racing (car)	brick	Persian	grey	flat	ancient	long	lovely
boy	football (field)	nylon	Muslim	brown	square	modern	enormous	silly
student	kitchen (knife)	leather	Victorian	pink	circular	recent	fat	beautiful

I was looking for a little plastic spoon..... دنبال یک قاشق پلاستیکی کوچک می گشتم.

My grandfather lives in a lovely little old village..... پدربزرگم در یک روستای قدیمی کوچک زیبا زندگی می کند.

I need a beautiful round wooden table..... من به یک میز چوبی گرد زیبا نیاز دارم.

تذکره گزینه صحیح را انتخاب کنید.

1. The was very old. So I didn't use it.

- 1) large cotton shirt brown
- 2) cotton brown large shirt
- 3) large brown cotton shirt
- 4) brown large cotton shirt

اگر سرواژه های صفات را به هم بپسبازید، «کاس شرم چک» می شود! فته دار است ولی خیلی به درد بخور است!

2. The coach will start his job very soon in Iran.

- 1) new German football
- 2) new football German
- 3) German new football
- 4) German football new

3. There was a table at the corner of the room when I visited there.

- 1) round big conference
- 2) big round conference
- 3) conference round big
- 4) big conference round

4. That professor is one of my father's friends.

- 1) kind old German chemistry
- 2) German old kind chemistry
- 3) chemistry kind old German
- 4) old chemistry German kind

5. In the cupboard, there are some tea cups used for special occasions.

- 1) small beautiful Egyptian
- 2) beautiful small Egyptian
- 3) Egyptian beautiful small
- 4) small Egyptian beautiful

۱- گزینه «۳» ترتیب صفت برای این تست از چپ به راست:

۲- گزینه «۱» ترتیب صفت برای این تست از چپ به راست:



«کاربرد + شکل + اندازه»	ترتیب صفت برای این تست از چپ به راست:	۳- گزینه «۲»
«کاربرد + ملیت + سن + کیفیت»	ترتیب صفت برای این تست از چپ به راست:	۴- گزینه «۱»
«ملیت + اندازه + کیفیت»	ترتیب صفت برای این تست از چپ به راست:	۵- گزینه «۲»

انواع صفت از لحاظ مقایسه

صفت برابری (as ... as)

از این صفت برای نشان دادن برابری یک صفت، بین دو نفر یا دو چیز استفاده می‌شود. در این حالت یک صفت یا قید بین دو as می‌آید. زمانی از صفت بین دو as استفاده می‌کنیم که فعل جمله، اسنادی (ربطی) باشد، در غیر این صورت از قید حالت استفاده می‌کنیم.

فاعل دوم + as + صفت یا قید + as + فعل + فاعل اول

My mother is **as old as** my father. مادرم هم سن پدرم است.
 She is **as tall as** her brother. او هم قد برادرش است.
 You are **as beautiful as** ever. شما مثل همیشه زیبا هستید.
 Is it **as good as** you expected? آیا آن به همان خوبی هست که انتظار داشتید؟
 Gary speaks Spanish **as well as** I do. گری به خوبی من اسپانیایی صحبت می‌کند.
 He runs **as quickly as** Usain Bolt. او مثل یوسین بولت، سریع می‌دود.
 Please get here **as soon as possible**. لطفاً در اسرع وقت این جا باشید.
 I'll spend **as much as** necessary. تا آن جایی که لازم باشد، خرج خواهیم کرد.

نکته در صورتی که جمله منفی باشد، می‌توانیم به جای as اول، از so هم استفاده کنیم، اما اجباری در این کار نیست.

This shirt isn't **so beautiful as** that one. این پیراهن به زیبایی آن یکی نیست.
 German is not **so difficult as** Chinese. زبان آلمانی به سختی زبان چینی نیست.

قبل از این که وارد صفت «برتری» و صفت «برترین» شویم، باید فرق صفات یک‌بخشی و چندبخشی را بدانیم:

۱ صفات یک‌بخشی (تک‌هجایی): صفاتی کوچک هستند که معمولاً هنگام تلفظ، یک حرف صدا دار دارند. مانند:

cold - fat - cheap - hot - long - rich ...

۲ صفات چندبخشی (چند‌هجایی): صفاتی بزرگ هستند که معمولاً هنگام تلفظ، چند حرف صدا دار دارند. مانند:

famous - beautiful - difficult - expensive ...

صفت برتری (تفضیلی)

هرگاه بخواهیم بگوییم شخصی یا چیزی از شخص یا چیزی دیگر «بدتر»، «بهتر»، «قشنگ‌تر»، «بلندتر»، «کوتاه‌تر» و خلاصه این که هر «تر» دیگری که باشد، از صفت برتری استفاده می‌کنیم. اگر صفت، یک‌بخشی یا دوبخشی لا‌دار باشد، از فرمول ۱ استفاده می‌کنیم و در صورتی که چندبخشی باشد، از فرمول ۲ استفاده می‌کنیم.

فرمول ۱: فاعل دوم + **er + than** + صفت یک‌بخشی + فعل + فاعل اول

یا دوبخشی لا دار

فرمول ۲: فاعل دوم + **than** + صفت چندبخشی + **more** + فعل + فاعل اول

مثال‌های فرمول ۱:

The Plaza Hotel is **smaller than** the Grand Hotel. هتل پلازا کوچک‌تر از گرند هتل است.

Tom is **taller than** Sam. تام قدبلندتر از سام است.

My sister was always **prettier than** me. خواهرم همیشه زیباتر از من بود.

This bag is **heavier than** yours. این کیف سنگین‌تر از کیف شماست.



مثال‌های فرمول ۲:

Paris is **more beautiful than** London. پاریس زیباتر از لندن است.
 He drives **more carefully than** his brother. او با دقت‌تر از برادرش رانندگی می‌کند.
 John's car was much **more expensive than** my car. ماشین جان خیلی گران‌تر از ماشین من بود.
نکته در انگلیسی رسمی بعد از **than** و **as** از ضمیر فاعلی و در انگلیسی غیررسمی از ضمیر مفعولی استفاده می‌شود.

She is **taller than I**. (انگلیسی رسمی)

She is **taller than me**. (انگلیسی غیررسمی)

صفت برترین (عالی)

هرگاه شخص یا چیزی در یک گروه یا جمع، «بدترین»، «قشنگ‌ترین»، «مسن‌ترین»، «خفن‌ترین»، «مهم‌ترین» و خلاصه این‌که در آن گروه یا جمع «ترین» باشد، از صفت عالی استفاده می‌کنیم. اگر صفت، یک‌بخشی یا دوبخشی‌دار باشد از فرمول (۱) و اگر صفت، چندبخشی باشد از فرمول (۲) استفاده می‌کنیم.

فرمول ۱: **est** + صفت یک‌بخشی + **the** + فعل + فاعل
 یا دوبخشی **دار**

فرمول ۲: **most** + صفت چندبخشی + **the** + فعل + فاعل

مثال‌های فرمول ۱:

George and Mary have three children. Mike is **the oldest**. جورج و مری سه فرزند دارند. مایک بزرگ‌ترین است.
 What is **the tallest** building in the world? بزرگ‌ترین ساختمان در جهان چیست؟
 Asia is **the biggest** of all. آسیا بزرگ‌ترین قاره است.
 People say that it is **the funniest** film of the year. مردم می‌گویند که آن خنده‌دارترین فیلم سال است.
 We're **the happiest** people. ما شادترین مردم هستیم.

مثال‌های فرمول ۲:

He is **the most hardworking** man that I know. او سخت‌کوش‌ترین مردی است که می‌شناسم.
 The Taj Mahal is **the most beautiful** building in the world. تاج‌محل زیباترین ساختمان در جهان است.
 They've got lots of fans. They're **the most popular** team in the country.

آن‌ها طرفداران زیادی دارند. آن‌ها محبوب‌ترین تیم در کشور هستند.

That was **the most delicious** meal that I've ever eaten. آن خوشمزه‌ترین غذایی بود که تاکنون خورده‌ام.

نکته معمولاً **in, of, all, one, ever** از علائم صفت عالی هستند.

صفات بی‌قاعده

خب، تا حالا تمام صفت‌هایی که خواندید، باقاعده بودند؛ یعنی تکلیفشان با خودشان مشخص بود. اما تعدادی صفت انگشت‌شمار هستند که سازِ ناکوک می‌زنند و به اصطلاح خودمان «بی‌قاعده» هستند. چاره‌ای نیست، باید حفظشان کنیم!

صفت ساده	صفت برتری	صفت برترین (عالی)
good خوب	better بهتر	the best بهترین
bad بد	worse بدتر	the worst بدترین
much / many زیاد	more بیشتر	the most بیشترین
far دور / زیاد	further بیشتر farther دورتر	the furthest بیشترین the farthest دورترین
little کم	less کم‌تر	the least کم‌ترین



نکته گاهی برای افزایش نمک و فلفلِ صفاتِ برابری، برتری، و برترین، از قیدهایی استفاده می‌شود که در جدول زیر آن‌ها را می‌بینید.

This chair is	nearly as twice / three times as	cheap comfortable	as that one.
This chair is	a bit a little a little bit much quite a lot a lot	cheaper more comfortable	than that one.
It's	by far easily	the most expensive car in the world. the most expensive of all the cars I've ever seen.	

The train's much faster than all the other ways of getting there.

آن قطار بسیار سریع‌تر از همه روش‌های دیگر برای رسیدن به آن‌جاست.

It was by far the worst time of my life..... این دوره، به مراتب بدترین دوره زندگی من بود.

Going by car took twice as long as going by train..... با ماشین رفتن دو برابر قطار وقت گرفت.

نست‌های گرامر

155. I think some of my classmates learn more quickly than me. In fact, I don't learn some students in my class.

- 1) as quick as 2) quickly than 3) the most quick 4) as quickly as

156. Many people say that Venice is city in the world. But I think Florence is

- 1) the most beautiful - as beautiful 2) more beautiful - the most beautiful
3) the most beautiful - more beautiful 4) a beautiful - much beautiful

157. We are a family of five and that car is too small for us. We need

- 1) bigger car 2) as big car 3) a bigger one 4) a big

158. Today I am really happy because the exam was a bit all the other tests.

- 1) as easy as 2) easier than 3) the easiest of 4) easily of

159. We went to an old restaurant last weekend, but we didn't enjoy our food. They cooked the steak It smelt

- 1) bad - bad 2) badly - badly 3) badly - bad 4) bad - badly

160. Mary writes about everything in her reports. That's why her new report is than Ted's.

- 1) more detailed 2) the most detailed 3) more detail 4) detailer

161. My friends and I are all happy and excited. Our test results are We all did in the test.

- 1) well - good 2) good - good 3) good - well 4) well - well

162. Which of the following is NOT correct?

- 1) They live in a lovely small old stone house. 2) We can't do the crossword puzzle as quick as you do.
3) Sport is more interesting than politics. 4) We can do this more easily with a computer.

163. Fred loves his wife so much. He has bought a dress for her as a birthday present.

- 1) Japanese red cotton pretty 2) pretty red Japanese cotton
3) cotton red pretty Japanese 4) Japanese cotton pretty red



164. This is a computer. You can get it for your firm.
 1) Japanese powerful business 2) business powerful Japanese
 3) powerful Japanese business 4) business Japanese powerful
165. Of the three brothers, Robert wakes up He is a bit lazy.
 1) the latest 2) later 3) as late 4) more late
166. I think we stayed in hotel on the island. It didn't have high standards.
 1) the bad 2) the better 3) as well as 4) the worst
167. Your plan might be interesting, but we know little about it. We hope to get details soon.
 1) further 2) as far as 3) farther 4) most
168. Don't worry! It's dangerous snake in the world!
 1) the less 2) least 3) the little 4) the least
169. There are not as many violin makers today there were in the past.
 1) the 2) from 3) than 4) as
170. We didn't go out because of the rain. We simply stayed in and had a hot coffee, instead.
 1) heaviest 2) heavier 3) heavy 4) as heavy as
171. A whale is bigger than an elephant, but, quite interestingly, an elephant's brain is a whale's brain.
 1) more big than 2) much bigger than 3) the bigger than 4) the biggest
172. I bought a table for our living room yesterday.
 1) beautiful large round wooden 2) round beautiful wooden large
 3) beautiful round large wooden 4) large beautiful round wooden
173. Some people believe that children today aren't very polite. They think children were in the past.
 1) as polite 2) the most polite 3) more polite 4) less polite
174. In my idea, money is really important, but it isn't thing in life.
 1) the most important 2) as important as 3) more important than 4) important
175. You shouldn't eat your food so It's not for you.
 1) quick - good 2) quickly - well 3) quick - well 4) quickly - good
176. Which sentence is CORRECT?
 1) This book is more better than that one.
 2) This year's prices will certainly be much higher as last year's prices.
 3) Yesterday was coldest day of the year.
 4) They were the poorest women I had ever seen.
177. My sister is important person in my life. I love her so much and can't live without her.
 1) as 2) more 3) the more 4) the most
178. The test result says that Mark is more than Jack.
 1) taller 2) creative 3) happier 4) faster
179. Peter was laughing hard, but his wife was laughing even !
 1) the hardest 2) harder 3) as hard 4) more hard
180. Out of all the films I've seen, this one is I am sure most people will cry when they watch it.
 1) sadder 2) as sad as 3) the saddest 4) the most sad



Vocabulary

1. **wonderful** /'wʌndərfəl/ *adj.*

شگفت‌انگیز، عجیب، حیرت‌انگیز، فوق‌العاده، عالی

It's wonderful what doctors can do nowadays.

آن‌چه که پزشکان امروزه می‌توانند انجام دهند، شگفت‌انگیز است.

This food is wonderful.

این غذا فوق‌العاده است.

2. **planet** /'plænət, 'plænɪt/ *n.*

سیاره

Mars, Earth, and Venus are planets.

مریخ، زمین، و ناهید سیاره هستند.

Mercury is the smallest of all the planets.

عطارد کوچک‌ترین سیاره است.

3. **ring** /rɪŋ/ *n.*

حلقه

We bought our wedding ring yesterday morning.

ما دیروز صبح حلقه عروسی‌مان را خریدیم.

onion rings

حلقه‌های پیاز

4. **observatory** /əb'zɜ:vətɔ:ri/ *n.*

رصدخانه

An observatory is a special building from which scientists watch the moon, stars, weather etc.

رصدخانه، ساختمانی خاصی است که از آن دانشمندان ماه، ستاره‌ها، آب و هوا و غیره را رصد می‌کنند.

5. **alike** /ə'laɪk/ *adj.*

شبيه هم

My mother and I are alike in many ways.

من و مادرم در بسیاری از جهات شبیه هم هستیم.

The two sisters are very alike.

آن دو خواهر خیلی شبیه هم هستند.

6. **orbit** /'ɔ:rbɪt/ *n., v.*

مدار؛ به دور ... چرخیدن

The Space Shuttle is now in orbit.

شاتل فضایی اکنون در مدار است.

The spacecraft is orbiting the moon.

سفینه فضایی به دور ماه می‌چرخد.

7. **rocky** /'rɔ:ki/ *adj.*

سنگلاخی، پرصخره؛ سنگی

Some planets are rocky like Mars.

برخی از سیارات مثل مریخ، سنگلاخی هستند.

rocky path

مسیر سنگلاخی

8. **near** /nɪr/ *adj., prep.*

نزدیک

They live near London.

آن‌ها نزدیک لندن زندگی می‌کنند.

Where's the nearest hospital?

نزدیک‌ترین بیمارستان کجاست؟

9. **powerful** /'paʊəfəl/ *adj.*

قوی، قدرتمند

Rezazadeh was one of the most powerful men in Iran.

رژازاده یکی از قوی‌ترین مردان در ایران بود.

The car has a very powerful engine.

این ماشین موتور بسیار قدرتمندی دارد.

10. **liquid** /'lɪkwɪd/ *n.*

مایع

Children take antibiotics in liquid form.

کودکان آنتی‌بیوتیک‌ها را به شکل مایع مصرف می‌کنند.

liquid soap

صابون مایع

11. **drop** /drɔ:p/ *n., v.*

قطره؛ انداختن؛ افتادن؛ حذف کردن

When the first drops of rain began to fall, Hamid started to run.

وقتی اولین قطرات باران شروع به باریدن کرد، حمید شروع به دویدن کرد.

a drop of blood

یک قطره خون

She dropped her keys.

او کلیدهایش را انداخت.

12. **cell** /sel/ *n.*

سلول، یاخته

red blood cells

سلول‌های خونی قرمز (گلبول‌های قرمز)

13. **thousand** /'θaʊzənd/ *n.*

هزار، تعداد زیاد

I lost five thousand dollars.

من پنج هزار دلار گم کردم.

There are thousands of things I want to do.

تعداد بسیار زیادی کار هست که می‌فواهم انجام دهم.

14. **exercise** /'eksəsaɪz/ *n., v.*

تمرین، ورزش؛ ورزش کردن

Most people need to do more exercise.

بیشتر مردم نیاز دارند بیشتر ورزش کنند.

I do stomach exercises most days.

من بیشتر روزها تمرین‌های شکم انجام می‌دهم.

15. **clear** /kleə/ *adj.*

واضح، تمیز، شفاف

The question wasn't very clear.

سؤال خیلی واضح نبود.

a clear picture

یک تصویر واضح

16. **pump** /pʌmp/ *v., n.*

تلمبه کردن، پمپاژ کردن، اقلب زدن، تلمبه

My heart was pumping fast.

قلبم تند می‌تپید.

Your heart pumps blood around your body.

قلب شما خون را به سرتاسر بدن‌تان پمپاژ می‌کند.

17. **healthy** /'helθi/ *adj.*

سالم، تندرست

She has healthy children.

او بچه‌های تندرستی دارد.

healthy food

غذای سالم

18. **defend** /dɪ'fend/ *v.*

دفاع کردن از، پشتیبانی کردن از

They defended the city against the enemy.

آن‌ها از شهر در برابر دشمن دفاع کردند.

White cells defend our body against disease.

گلبول‌های سفید از بدن ما در برابر بیماری دفاع می‌کنند.



19. **carry** /'kæri/ v. **حمل کردن، بردن**

Angela carried the child in her arms. آنجلا کودک را در آغوشش حمل کرد.

I can't carry the box because it is very heavy.

من نمی توانم آن جعبه را حمل کنم زیرا خیلی سنگین است.

20. **collect** /kə'lekt/ v. **جمع کردن، گردآوردن؛ رفتن او را برداشتن**

The teacher will collect the test booklets at the end of the exam. معلم دفترچه‌های تست را در پایان آزمون جمع خواهد کرد.

Martin went to collect the children from school.

مارتین رفت تا بچه‌ها را از مدرسه بردارد.

21. **fact** /fækt/ n. **حقیقت، واقعیت**

The book is full of facts about the World Cup.

این کتاب پر از حقایق دربارهٔ جام جهانی است.

I think I saw him – in fact, I'm sure I did.

فکر کنم او را دیدم - در حقیقت، مطمئنم که او را دیدم.

22. **wonder** /'wʌndər/ n. **شگفتی، حیرت**

It's a wonder you weren't killed in the accident.

حیرت آور است که شما در آن تصادف کشته نشده‌اید.

the Seven Wonders of The World

عجایب هفتگانه جهان

23. **against** /ə'genst/ prep. **در برابر، برخلاف، مخالف**

Many people are against the plan. افراد زیادی مخالف این طرح هستند.

They played football against a team from another town.

آن‌ها در برابر تیمی از یک شهر دیگر فوتبال بازی کردند.

24. **donate** /'daʊneɪt/ v. **اهدا کردن**

They donated \$10,000 to the hospital.

آن‌ها ۱۰۰۰۰ دلار به بیمارستان اهدا کردند.

He donates blood every year.

او هر سال خون اهدا می‌کند.

25. **strange** /streɪndʒ/ adj. **عجیب، غیرعادی**

Does his behavior seem strange to you?

آیا رفتار او برای شما عجیب به نظر می‌رسد؟

It's strange that I never met you before.

عجیب است که هرگز شما را قبلاً ندیدم.

26. **opinion** /ə'pɪnjən/ n. **نظر، عقیده**

He asked his wife's opinion on every important decision.

او نظر همسرش را برای هر تصمیم مهمی می‌پرسید.

The two women had very different opinions about life.

آن دو زن عقاید بسیار متفاوتی دربارهٔ زندگی داشتند.

27. **fresh** /frefʃ/ adj. **تازه، جدید، آب شیرین، زنده**

I'll make some fresh coffee.

مقداری قهوه تازه درست خواهم کرد.

The accident is still fresh in her mind.

آن تصادف هنوز در ذهن او زنده است.

28. **hint** /hɪnt/ n. **اشاره، کنایه، نشانه، سرنخ؛ توصیه، نکته**

helpful hints about how to lose weight

نکاتی مفید دربارهٔ چگونه وزن کم کرد

Tom solved the puzzle after Mary gave him a few hints.

تام بعد از این که ماری به او چند سرنخ داد، معما را حل کرد.

29. **create** /kri'eɪt/ v. **ساختن، ایجاد کردن**

Her behaviour is creating a lot of problems.

رفتار او دارد مشکلات زیادی ایجاد می‌کند.

The new factory created more than 400 new jobs.

کارخانهٔ جدید بیش از ۴۰۰ شغل جدید ایجاد کرد.

30. **choose** /tʃu:z/ v. **انتخاب کردن، تصمیم گرفتن**

It took us ages to choose a new carpet.

زمان زیادی طول کشید تا یک قالی جدید انتخاب کنیم.

He chose his words carefully.

او از کلماتش با دقت استفاده کرد. (او با دقت حرف می‌زد).

Hamid chose to be a teacher.

حمید تصمیم گرفت یک معلم شود.

31. **quality** /'kwɑ:lɪti/ n. **کیفیت، ویژگی**

The quality of the water is good.

کیفیت آب خوب است.

This car isn't very good quality.

این ماشین کیفیت خیلی خوبی ندارد.

32. **without** /wɪð'ɑut/ prep. **بدون**

a house without a garden

خانه بدون باغ

I drink coffee without sugar.

من قهوه را بدون شکر می‌نوشم.

33. **modern** /'mɑ:dərn/ adj. **مدرن، پیشرفته؛ امروزی، معاصر**

That book is about modern history.

آن کتاب دربارهٔ تاریخ معاصر است.

Computers are an important part of modern life.

رایانه‌ها بخش مهمی از زندگی امروزی هستند.

34. **seafood** /'si:fu:d/ n. **غذای دریایی**

a seafood restaurant

یک رستوران غذاهای دریایی

35. **sign** /saɪn/ n., v. **نشانه، علامت؛ تابلو؛ امضا کردن**

Dark clouds are a sign of rain.

ابره‌های تیره نشانهٔ باران است.

I put up my hand as a sign for him to stop.

دستم را به نشانهٔ این که او بایستد، بالا بردم.

36. **abroad** /ə'brɔ:d/ adv. **از خارج، به خارج، در خارج، خارج از کشور**

We never travelled abroad.

ما هرگز به خارج سفر نکردیم.

She often goes abroad on business.

او اغلب به خاطر کسب و کار به خارج می‌رود.

37. **element** /'eləmənt, 'elɪmənt/ n. **عنصر، رکن، عامل**

Cost was an important element in our decision.

هزینه یک رکن مهم در تصمیم ما بود.

Water is made of the elements: hydrogen and oxygen.

آب از دو عنصر تشکیل شده است: هیدروژن و اکسیژن.



38. **expensive** /ɪk'spensɪv/ *adj.*

گران

It is the most expensive restaurant in town.

این گران‌ترین رستوران در شهر است.

39. **dangerous** /deɪndʒərəs/ *adj.*

خطرناک

The virus is probably not dangerous to humans.

این ویروس احتمالاً برای انسان‌ها خطرناک نیست.

a dangerous disease

یک بیماری خطرناک

40. **seem** /si:m/ *v.*

به نظر رسیدن

Hamid didn't seem very sure.

حمید خیلی مطمئن به نظر نمی‌رسید.

It seems to me you don't have much choice.

به نظر من شما انتخاب زیادی ندارید.

41. **active** /æktɪv/ *adj.*

فعال

She's over 80, but is still very active.

او بیش از ۸۰ سال سن دارد، اما هنوز خیلی فعال است.

42. **interesting** /ɪntrəstɪŋ, 'ɪntrɪstɪŋ/ *adj.*

جالب، جذاب

That's an interesting question.

آن سؤال جالبی است.

Did you meet any interesting people? آیا هیچ فرد جالبی را ملاقات کردید؟

43. **actual** /'æktʃuəl/ *adj.*

واقعی، حقیقی

I'm not joking. Those were his actual words.

شوخی نمی‌کنم. آن‌ها حرف‌های واقعی او بودند.

It's a true story, based on actual events.

این یک داستان واقعی بر اساس رویدادهای واقعی است.

44. **describe** /dɪ'skraɪb/ *v.*

شرح دادن، توصیف کردن

It's difficult to describe my feeling.

سخت است احساسم را توصیف کنم.

Could you describe the man you saw?

آیا می‌توانید مردی که دیدید را توصیف کنید؟

45. **helpful** /helpfəl/ *adj.*

مفید، مؤثر، به‌دردبخور

Thank you for your helpful advice.

برای توصیه مفیدتان ممنونم.

I'm only trying to be helpful.

من فقط دارم سعی می‌کنم مفید باشم.

46. **add** /æd/ *v.*

افزودن، اضافه کردن، جمع بستن

Do you want to add your name to the list?

آیا می‌خواهید نامتان را به فهرست اضافه کنید؟

If you add 2 and 5 together, you get 7.

اگر عدد ۲ و ۵ را با هم جمع ببندید، عدد ۷ را به دست می‌آورید.

تست‌های واژگان

210. The National Museum was full of works of art from all corners of our country. I like to visit it once more.

1) wonderful

2) helpful

3) powerful

4) painful

211. Astronauts of the International Space Station have taken a photo of a newly discovered planet with a beautiful brown around it.

1) rock

2) cell

3) ring

4) orbit

212. This science-fiction story is about a brave man who decides to leave the Earth and live on other in Solar System such as Mars.

1) plains

2) planets

3) lands

4) spaces

213. You can watch stars and planets and study astronomical phenomena in a/an with modern telescopes.

1) university

2) laboratory

3) observatory

4) office

214. The sun is the biggest star in Solar System and the moon and the Earth around it.

1) come

2) orbit

3) shine

4) rise

215. These two cars are, but the red one is much more expensive than the blue one.

1) cheap

2) alike

3) different

4) lucky

216. The Indian temple had walls and some sentences were carved on them in the locals' native language.

1) solid

2) rocky

3) liquid

4) soft

217. While Siberia is located North Pole, Serbia is a country far apart.

1) distant

2) next

3) near

4) close



218. I like to buy one of those very American cars to drive up the hills and through the rivers and enjoy it.
 1) powerful 2) helpful 3) painful 4) wonderful
219. Nutritionists believe that oil is more appropriate and less harmful for our health than solid oil.
 1) hard 2) liquid 3) hot 4) cold
220. The sun is a very big star in the middle of the Solar System and all of the planets around it.
 1) come 2) go 3) run 4) walk
221. Insects such as ants and bees are creatures. They have a very interesting life.
 1) amazing 2) dangerous 3) important 4) boring
222. Human body is really a system. Every organ is responsible for certain functions and works in an amazing way.
 1) successful 2) hopeful 3) stressful 4) wonderful
223. We are really excited because we are going to Tehran Observatory which has a modern planetarium.
 1) leave 2) buy 3) visit 4) destroy
224. Camels can live water for a long time. They are very strong animals.
 1) with 2) near 3) without 4) in
225. Some of the planets have a/an that makes them more interesting and beautiful.
 1) observatory 2) telescope 3) ring 4) microscope
226. I think all of the animals have a/an which keeps them alive by pumping blood to different parts of their body.
 1) organ 2) brain 3) head 4) heart
227. The scientists use different in the observatory to watch the planets of Solar System.
 1) microscopes 2) telescopes 3) glasses 4) rings
228. One of the wonders of creation is that carries fresh oxygen to all over the body.
 1) heart 2) blood 3) food 4) water
229. Biologists use special to watch and study very small organisms and cells.
 1) telescopes 2) observatories 3) microscopes 4) cameras
230. Our body is like a/an It has different parts which work together to keep us healthy and strong.
 1) picture 2) system 3) organ 4) building
231. Khaje Nasir Toosi was an Iranian scientist who studied the stars and the planets. These wonders of creation were really for him.
 1) boring 2) interesting 3) uninteresting 4) depressing
232. Planets in the Solar System are really amazing, but not so much If you look at them using a telescope, you can see their differences.
 1) like 2) lucky 3) likely 4) alike
233. Some of the patients have weaker hearts that cannot blood to different organs.
 1) bring 2) pump 3) use 4) sell
234. Scientists use microscopes to study which are the smallest parts of human body.
 1) cells 2) hearts 3) organs 4) brains
235. The careless driver was driving fast and couldn't control his car. He hit the hospital door and the big sign on his car.
 1) turned 2) entered 3) dropped 4) climbed



236. When we had a very heavy snow in Tehran last winter, of people wanted to leave the city, but they couldn't take their cars out.

- 1) one 2) thousands 3) more 4) many

237. A healthy lifestyle includes daily physical such as walking, running, jogging, or swimming.

- 1) practice 2) resting 3) helping 4) exercise

238. Because of hot and dry weather, the villagers did not have enough water to drink, so they used a simple tool to river water to their village.

- 1) receive 2) pump 3) collect 4) seem

239. We can have a strong body and live longer if we always try to ignore fast food and eat food instead.

- 1) liquid 2) mental 3) healthy 4) physical

240. The brave soldiers their city for two months with limited food and water until help arrived.

- 1) destroyed 2) created 3) defended 4) attacked

241. Camels are very strong animals and can many things in the hot and dry deserts of Iran.

- 1) defend 2) pump 3) choose 4) carry

242. My classmates and I decided to some money in our class to help those people who had lost their homes in Kermanshah earthquake.

- 1) send 2) collect 3) spend 4) have

243. Yesterday it was raining hard and I was enjoying listening to the rain on the roof of our house.

- 1) pieces 2) drops 3) parts 4) cells

244. Even the tiny microorganisms have some organs which are made of

- 1) bodies 2) hearts 3) cells 4) hands

245. After a week-long snowfall and cold weather, now we have a sky and sunshine and we can go skiing.

- 1) cloudy 2) clear 3) dark 4) warm

246. Dave is a wide reader and he wants to have a rich personal library, so he is almost any kind of book.

- 1) selling 2) collecting 3) writing 4) introducing

247. His poor family background is a he cannot simply forget although he is a millionaire now.

- 1) fun 2) fight 3) fact 4) lesson

248. Sometimes I what I would do if I had a big business and could earn lots of money to spend.

- 1) forget 2) remember 3) wonder 4) tell

249. Our enemy had a surprise attack on our border cities and many ordinary people joined the army to defend our country the invaders.

- 1) for 2) against 3) with 4) by

250. Many people were injured in Kermanshah earthquake; we rushed to the local hospital to blood.

- 1) buy 2) take 3) donate 4) present

251. I don't feel comfortable at a party where there are many people; I prefer partying with my friends.

- 1) nice 2) bad 3) strange 4) close



252. Most of the world-class news websites have a "have your say" link where you can express your about any news story.

- 1) opinion 2) silence 3) writing 4) question



Traveling is a satisfying learning experience with lots of irreplaceable rewards, but these benefits can be enhanced even more through ecotourism. Ecotourism lets you travel with a higher level of personal satisfaction because you not only help preserve the planet, but also contribute to the quality of people's lives.

There are many local communities that do not have any opportunity to grow through industrial development. Therefore, they can benefit greatly from tourists who respect their culture, nature, and lands and at the same time help their economy.

The more that we know about a certain place, our love and admiration grows and inspires us to protect it. Tour guides and hosts are educated in order to share knowledge with visitors while tourists come to appreciate the beauty of the region. In addition to the joy of seeing beautiful natural scenery, the visitors gain a new perspective that comes with learning about the historical and environmental importance of unfamiliar lands and buildings.

As we explore unknown places with a spirit of curiosity and kindness, we begin important discussions with local people and other visitors. Through their stories, we can better understand what the needs and desires of the local people are.

Unfortunately, tourists are viewed by some as rude visitors who create problems for local residents. It is a fact that locals are often annoyed by the increased traffic, unreasonable demands and the inability of tourists to understand and respect their ethnic culture.

576. The main topic of the second paragraph is

- 1) industrial development is necessary for ecotourism to grow
- 2) ecotourism destroys the nature and bothers the residents
- 3) ecotourism is valuable for both the local people and the planet
- 4) traveling is an activity that can help us learn more about other cultures and regions of the world

577. According to the passage, it is implicitly stated that tourists can help the economy of the communities which

- 1) are growing fast through industrial development
- 2) benefit from their potentials in trading and business
- 3) do not have any industrial means to develop
- 4) are part of developed nations and do not need tourists

578. All of the following words have a synonym in the passage EXCEPT

- 1) location
- 2) visitors
- 3) trip
- 4) quality

579. The author is expected to in the last paragraph.

- 1) give more examples of problems created by tourists for the locals
- 2) present the solutions ecotourism has for the mentioned problems
- 3) introduce a new form of tourism which can help poor countries
- 4) explain the role of tourism in increasing our knowledge about the world

Reading passage 2

Iran is a country with an ancient culture and civilization and it has various historical monuments and breathtaking natural beauty. But only 4 million tourists visit Iran every year and most of them are either pilgrims or travel to Iran because they need medical services. In order to discuss possible solutions for developing Iranian tourism industry, the main factors affecting tourist attraction should be taken into account.

Nature is the first and foremost factor for attracting tourists. Obviously, tourists prefer to visit locations with exotic natural beauty. So rivers, lakes, ponds, forests, waterfalls, mountains, etc. are of extreme importance and we must do our best to protect them. Wildlife is also an important factor in attracting tourists and visitors, for example many tourists visit some African countries on Safaris for the sole reason that they like the opportunity to watch various wild animals.



Cultural events and festivals are yet another reason for foreign tourists to travel to a certain country as they like to enjoy and participate in those events. For instance, Brazil is a country which is visited by millions of tourists each year because of its exciting festivals.

Tourism infrastructure including airports, transportation, hotels, etc. is the next driving force for any significant development to happen. Iran lack some basic infrastructure needed for developing its tourism industry. Up to 500 new hotels must be constructed in order to meet the accommodation needs of the visitors if a serious step is to be taken in developing its potentials in attracting tourists.

Positive interaction between the residents and tourists is also a significant factor affecting the business.

580. Based on the passage, it can be implicitly understood that

- 1) if Africa didn't have a rich wildlife, it wouldn't attract so many tourists
- 2) Brazil has developed its tourism industry by constructing many guest houses
- 3) most of Iranian hotels are not receiving and accommodating any tourists
- 4) constructing airports will not contribute to the development of tourism infrastructure

581. An appropriate sentence to support the last paragraph can be

- 1) local restaurants should serve only local dishes
- 2) both luxury hotels and cheap hostels should be constructed all across the country
- 3) when it comes to this subject, language barrier is the main challenge and all those involved in the industry need to be fluent in one or more foreign languages
- 4) Iran is a four-season country and the visitors can experience the highest joy of relaxation in different resorts such as Persian Gulf islands

582. The word "they" in paragraph one, line three, refers to

- 1) Iranians
- 2) tourists
- 3) pilgrims
- 4) solutions

583. It seems that the author is using the passage to

- 1) classify a philosophical concept into its various aspects
- 2) define a new and technical term
- 3) argue and prove a point with examples
- 4) explain an idea and talk about it in detail

Reading passage 3

Besides already mentioned economic sectors, tourism industry is also another reliable source of revenue for Iran. There are approximately 1.24 billion international tourist arrivals across the world each year which creates more than 1.22 trillion US dollars as the international tourism revenue. This is why every country is trying to have its share of such a huge amount of revenue which is expected to grow even more in coming years.

International tourism numbers and figures will continue to grow simply because people are generally getting richer and are inclined to spend more on their traveling and holidaymaking. As an example, China is developing economically and its people are getting richer, so they are more willing to travel to other countries. As a result, some countries are already planning to attract the highest number of Chinese tourists they can.

Actually, people travel for a number of reasons including recreation and pleasure, learning about the history and culture of a place, relaxation, fun activities such as skiing, visiting friends and family, and doing business. World's top countries in attracting international tourists such as France, the US, Spain, China, and Italy are benefitting from huge amounts of money tourists spend. For instance, France is hosting almost 85 million visitors each year who contribute significantly to its economy.



Certainly, Iran is no exception and it needs to invest in developing its tourism industry specially since it has a wide range of tourist attractions including natural scenery, historical places, local dishes, and much more.

584. According to the author, tourism industry will grow more in future because people

- 1) like to travel more so they work hard and earn more money
- 2) are earning more money and consequently prefer to spend part of their money travelling and seeing the world
- 3) foreign countries are becoming more attractive to the international tourists
- 4) people only prefer to go on vacation in foreign countries because they can have more fun and relaxation

585. Most probably, the main topic of the paragraph preceding this passage has been

- 1) local tourism and its role in developing international tourism
- 2) Iran's ranking in international tourism industry
- 3) the role of agriculture and industry in developing the national economy
- 4) the relationship between learning practical skills and employment opportunities

586. The phrase "such a huge amount of revenue" in paragraph one refers to

- 1) 1.24 billion tourists
- 2) every country
- 3) economic sectors of Iran
- 4) 1.22 trillion US dollars

587. An appropriate title for the passage can be ".....".

- 1) Developing tourism industry is an economic opportunity
- 2) China is a developing country and an economic power in the world
- 3) International tourism revenue is not that much significant
- 4) Why international tourism will lose its attraction in near future

Reading passage 4

Taj Mahal, meaning "the Crown of Palaces" is one of the New Seven Wonders of the world and is thought to be the jewel of Muslim art in India. It is a white marble palace on the bank of Yamuna river in Agra, and is compared with other palaces across the world and looks like the shining diamond on a crown. Tagore, a famous Indian poet, calls it "the tear-drop on the cheek of time".

It is one of the most popular places for international tourists to visit and receives more than three million visitors each year, hosting almost 50000 visitors per day during its high season. Although Taj Mahal is a masterpiece of architecture and design and shines beautifully both in sunlight and moonlight, its popularity is due to the love story behind its construction.

Shah Jahan, the Indian Emperor, started ruling the Northern parts of India in 1627 after he deposed his father, Jahangir. Shah Jahan had three wives, but he loved Arjumand Banu Begum whom he had married back in 1612 more than the other two. That is why he had given her the title of Mumtaz Mahal, meaning "the Chosen One of the Court". In fact, she was the queen of her husband's court and they had 14 children. But Shah Jahan lost her in 1631, after their last child was born and it was such a big tragedy for him that he decided to build a magnificent shrine for her.

He immediately employed Ahmad Lahouri, a famous architect of Persian origin and asked him to design and construct the shrine. The architect, along with 20000 workers from India, Persia, and Europe and some other places constructed the magnificent monument. Meanwhile, they used 1000 elephants in the process which took almost 20 years. Lahouri later designed and constructed the Red Fort.

The monument has a 73-meter high central dome, along with a beautiful mosque, some pools and gardens. The Indian government has decided to limit the traffic in the neighborhood and close down the factories in order to protect the beautiful palace.



588. What kind of linguistic approach does the author take in penning the first paragraph?

- 1) poetic and literary description of the monument
- 2) formal classification of the Indian monuments
- 3) elaborate definition of a historical term
- 4) academic exemplification of the different types of palaces

589. According to the passage, it can be understood that took 20 years.

- 1) inviting the architect
- 2) Shah Jahan's ruling
- 3) Mumtaz Mahal's marital life with Shah Jahan
- 4) the construction of Taj Mahal

590. The author believes that Taj Mahal is beautifully attractive because of

- 1) it's tall central dome
- 2) it's decorations
- 3) the famous architect who built it
- 4) the love story behind it

591. All of the following phrases are used to describe Taj Mahal EXCEPT

- 1) the tear-drop on the cheek of time
- 2) the famous architect
- 3) the jewel of Muslim art in India
- 4) one of New Seven Wonders of the world

592. Which phrase DOES NOT refer to Shah Jahan's wife?

- 1) Mumtaz Mahal
- 2) Arjumand Banu Begum
- 3) the Chosen One of the Palace
- 4) the Crown of Palaces



Lesson one

Sense of Appreciation

الگوی ساخت فعل مجهول (to be + p.p.)

برای این که وجه مجهول را در زبان انگلیسی خوب یاد بگیریم، ابتدا باید مجهول را در زبان فارسی درک کنیم. مجهول این جمله چه می‌شود؟ «علی ایمیل را فرستاد.» آفرین! مجهولش می‌شود: «ایمیل فرستاده شد.»

خُب، همان‌طور که دیدید، اول فاعل را حذف کردیم و مفعول را به ابتدای جمله آوردیم. سپس فعل را به صفت مفعولی (بن ماضی + ه) تبدیل کردیم و در پایان از یک فعل اسنادی (ربطی) متناسب با زمان جمله استفاده کردیم و تمام!

حالا همین کار را در زبان انگلیسی انجام می‌دهیم: (جمله مجهول) = The email was sent. (جمله معلوم) Ali sent the email. همان‌طور که در انگلیسی دیدید - درست مثل فارسی خودمان - ابتدا مفعول (the email) را به اول جمله آوردیم. از فعل اسنادی (was) و صفت مفعولی (p.p.) هم استفاده کردیم.

بعد از این که مفعول را به ابتدای جمله آوردیم، تمام هم‌وغم فعل مجهول، آوردن یک فعل to be متناسب با زمان جمله است چون فعل to be در زمان‌های مختلف صرف می‌شود ولی p.p. همیشه ثابت است.

am, is, are, was, were, be, being, been

خانواده افعال to be عبارت‌اند از:

در درس ۱ سال دوازدهم، مجهول زمان‌های حال ساده، گذشته ساده و حال کامل آورده شده است و در درس ۳ دوازدهم، این مبحث کامل‌تر می‌شود.

حالا نگاهی به ساختار مجهول زمان‌های حال ساده، گذشته ساده و حال کامل بیندازید و سعی کنید که ساختار مجهول این زمان‌ها را حفظ کنید. مخصوصاً به فعل to be مخصوص هر زمان توجه کنید:

زمان	ساختار مجهول	مثال
حال ساده I write the letter.	am / is / are + p.p.	The letter is written. نامه نوشته می‌شود.
گذشته ساده I wrote the letter.	was / were + p.p.	The letter was written. نامه نوشته شد.
حال کامل (ماضی نقلی در فارسی) I have written the letter.	have / has + been + p.p.	The letter has been written. نامه نوشته شده است.

تمرین برای این که دست به قلم شوید، جملات زیر را به مجهول تبدیل کنید و سپس پاسخ خودتان را با پاسخ ما مقایسه کنید.

راهنمایی: اول مفعول را به ابتدای جمله بیاورید. دوم از فعل to be مناسب استفاده کنید. سوم، بعد از to be، قسمت سوم فعل (p.p.) را به کار ببرید.

- Someone cleans this room every day. شش‌شنبه هر روز این اتاق را تمیز می‌کند.
- Bell invented the telephone in 1876. بل در سال ۱۸۷۶ تلفن را اختراع کرد.
- They have built a new hospital near the airport. آن‌ها یک بیمارستان جدید در نزدیک فرودگاه ساخته‌اند.
مواستان به جمع یا مفرد بودن مفعول باشد زیرا جمع یا مفرد بودن فعل مجهول به آن بستگی دارد!
- People don't use this road much. مردم زیاد از این جاده استفاده نمی‌کنند.
حال ساده با don't و doesn't منفی می‌شود و مجهولشان am not, is not و are not است.
- The boy asked some difficult questions this morning. امروز صبح آن پسر تعدادی سؤال سخت پرسید.
- The police caught the thief two days ago. پلیس دو روز پیش آن دزد را دستگیر کرد.
- The terrorists have killed a policeman. تروریست‌ها یک پلیس را کشته‌اند.
- How do people learn a language? چه‌طور افراد یک زبان را یاد می‌گیرند؟

پاسخ

1. This room is cleaned every day. این اتاق هر روز تمیز می‌شود.
2. The telephone was invented in 1876. تلفن در سال ۱۸۷۶ اختراع شد.
3. A new hospital has been built near the airport. یک بیمارستان جدید در نزدیک فرودگاه ساخته شده است.
4. This road isn't used much. این جاده زیاد استفاده نمی‌شود.
5. Some difficult questions were asked this morning. امروز صبح تعدادی سؤال سخت پرسیده شد.
6. The thief was caught two days ago. آن دزد دو روز پیش دستگیر شد.
7. A policeman has been killed. یک پلیس کشته شده است.
8. How is a language learned? به طور یک زبان یاد گرفته می‌شود؟

چگونه مجهول بودن جمله در تست پی ببریم؟

دو روش پیشنهاد می‌کنیم. روش اول: جمله را به فارسی ترجمه کنید تا ببینید به صورت معلوم ترجمه می‌شود یا مجهول. اگر جمله به صورت مجهول ترجمه شد، پس در انگلیسی هم مجهول است. روش دوم این است که ببینید فعل جمله، گذرا (متعدی) است یا ناگذر (لازم). اگر گذرا باشد و بعد از جای خالی مفعول نیامده باشد، جمله مجهول است. حواستان باشد که فعل ناگذر هم هرگز مجهول نمی‌شود.

فعل گذرا (متعدی) چیست؟ فعلی است که اگر آن را در برابر «چه چیزی را، چه کسی را» قرار دهیم، معنی پیدا می‌کند. مانند: خوردن، بردن، کشتن، پاسخ دادن، ...

فعل ناگذر (لازم) چیست؟ فعلی است که اگر آن را در برابر «چه چیزی را، چه کسی را» قرار دهیم معنی پیدا نمی‌کند. مانند: مردن، رفتن، زندگی کردن، قدم زدن، ...

بهترین

1. A new airport in this region since 1381.

1) has built	2) was built	3) built	4) has been built
--------------	--------------	----------	-------------------
2. The English language in a lot of countries nowadays.

1) is speaking	2) has spoken	3) was speaking	4) is spoken
----------------	---------------	-----------------	--------------
3. Reza lost his watch in the classroom. It in the yard yesterday.

1) is found	2) found	3) was found	4) would found
-------------	----------	--------------	----------------
4. A number of attempts to find the missing child.

1) have made	2) are making	3) made	4) have been made
--------------	---------------	---------	-------------------
5. Richard's parents when he was very young.

1) were died	2) died	3) have been died	4) were dying
--------------	---------	-------------------	---------------
6. John his leg and he can't go on holiday.

1) has been broken	2) was broken	3) has broken	4) is broken
--------------------	---------------	---------------	--------------

- ۱- گزینه «۴» از سال ۱۳۸۱ در این منطقه یک فرودگاه جدید ساخته شده است. چون جمله مجهول ترجمه می‌شود پس حتماً در انگلیسی هم مجهول است. ۱ و ۳ مجهول نیستند و کنار گذاشته می‌شوند. می‌ماند ۲ و ۴. since (از) علامت زمان کامل است و بنابراین ۴ درست است.
- ۲- گزینه «۴» امروزه زبان انگلیسی در کشورهای زیادی صحبت می‌شود. چون جمله مجهول ترجمه می‌شود، در انگلیسی هم از فعل مجهول استفاده می‌کنیم و تنها گزینه مجهول، ۴ است. جور دیگر هم می‌توان گفت: چون speak (صحبت کردن) یک فعل گذرا است و بعد از آن مفعول نیامده است، پس جمله مجهول است.
- ۳- گزینه «۳» رضا ساعتش را در کلاس گم کرد. آن دیروز در حیاط پیدا شد. چون جمله به صورت مجهول ترجمه می‌شود، در انگلیسی هم مجهول است. ۱ و ۳ مجهول هستند و با توجه به قید زمان گذشته yesterday ۳ درست است.
- ۴- گزینه «۴» تلاش‌های بسیاری برای یافتن بچه گمشده انجام شده است. خوب، هم جمله به فارسی مجهول معنی می‌شود و هم بعد از فعل گذرا (متعدی)، مفعول نیامده است. بنابراین جمله مجهول است.

۵- گزینه «۲» والدین ریچارد وقتی او خیلی کوچک بود، فوت کردند. حواسمان به فعل‌های ناگذر (لازم) باشد. این افعال مجهول نمی‌شوند، بنابراین ۱ و ۳ نادرست هستند. ۴ هم از لحاظ کاربرد زمان گذشته استمراری غلط است.

۶- گزینه «۳» پای جان شکسته است و نمی‌تواند به تعطیلات برود. جمله به فارسی معلوم ترجمه شده است و هم‌چنین بعد از فعل گذرا (break)، مفعول (his leg) آمده است. بنابراین جمله، معلوم است نه مجهول. در فصل ۳ کتاب دوازدهم، به مجهول زمان‌های دیگر می‌پردازیم. اما آشناسدن با آن‌ها در جدول زیر خالی از لطف نیست!

مثال	ساختار مجهول	زمان
The letter had been written. نامه نوشته شده بود.	had + been + p.p.	Ali had written a letter. گذشته کامل (ماضی بعید در فارسی)
The letter is being written. نامه در حال نوشته شدن است.	am / is / are + being + p.p.	Ali is writing a letter. حال استمراری
The letter was being written. نامه داشت نوشته می‌شد.	was / were + being + p.p.	Ali was writing a letter. گذشته استمراری
The letter will be written. نامه نوشته خواهد شد.	will + be + p.p.	Ali will write a letter. آینده ساده
The letter is going to be written. نامه قرار است نوشته شود.	am / is / are + going to + be + p.p.	Ali is going to write a letter. آینده
The letter should be written. نامه باید نوشته شود.	can, could ... + be + p.p.	Ali should write a letter. can, could, may, might, shall, should, must

نکته یک سری فعل هستند که به دو مفعول نیاز دارند و ما به آن‌ها اصطلاحاً افعال دومفعولی می‌گوییم. اگر بعد از آن‌ها فقط یک مفعول بیاید، باید آن‌ها را به شکل مجهول بنویسیم. مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

... (دادن), pass (فرستادن), send (پرداختن), pay (قرض دادن), lend (پیشنهاد کردن), offer (دادن), give

They offered **her a job**. (جمله معلوم) آن‌ها به او یک شغل پیشنهاد کردند.

= She was offered a job. (جمله مجهول) یک شغل به او پیشنهاد شد.

= A job was offered to her. (جمله مجهول) یک شغل به او پیشنهاد شد.

My mother has given **me a book**. (جمله معلوم) مادرم به من یک کتاب داده است.

= I have been given a book. (جمله مجهول) یک کتاب به من داده شده است.

= A book has been given to me. (جمله مجهول) یک کتاب به من داده شده است.

سؤال کوتاه Question Tag

یادگیری زبان آسان است، این‌طور نیست؟

فکر نکنم امسال برف زیادی بیاید، مگر نه؟

لطفاً چیزی نگو، باشه؟

سؤال کوتاه چیست؟

اگر بخواهیم شنونده حرف ما را تأیید کند یا از مسئله‌ای کسب اطمینان کنیم، در پایان جمله خود، سؤال‌های کوتاه «این‌طور نیست؟»، «مگر نه؟»، «باشه؟» و ... می‌پرسیم. سؤال کوتاه در زبان انگلیسی هم دنگ‌وفنگ خودش را دارد. باید حواسمان به مثبت یا منفی بودن، فاعل و زمان جمله باشد.

سؤال کوتاه در انگلیسی چگونه ساخته می‌شود؟

- ۱ سؤال کوتاه از دو کلمه تشکیل شده است:
- الف فعل کمکی (در صورت منفی بودن مخفف آن).
- ب ضمیر فاعلی (I, you, he / she, we, they, it)
- ۲ اگر جمله مثبت باشد، سؤال کوتاه منفی است و بالعکس.
- ۳ در سؤال کوتاه همیشه از فعل کمکی خود جمله استفاده می‌کنیم. اگر جمله اصلی حال ساده باشد از **does** و **do** و اگر گذشته ساده باشد، از **did** استفاده می‌کنیم.

مثال

سؤال کوتاه مثبت + جمله مثبت	سؤال کوتاه مثبت + جمله منفی
You've played tennis before, haven't you?	David hasn't got a car, has he?
The children can swim, can't they?	I shouldn't laugh, should I?
It'll be dark soon, won't it?	You aren't ill, are you?
There was a mistake, wasn't there?	The answer wasn't right, was it?
Maryam always comes late, doesn't she?	The shower doesn't work, does it?

- نکات اصلی سؤال کوتاه، همان‌هایی هستند که در صفحه قبل گفتیم. اما نکات تکمیلی دیگری وجود دارد که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم:
- ۴ اگر در جمله اصلی، قید منفی‌ساز وجود داشته باشد، سؤال کوتاه مثبت خواهد بود. این قیده‌ها عبارت‌اند از: no, none, not, few, little, hardly, never, rarely, ...
George never comes late, **does he?** Few people knew him, **did they?**
 - ۵ اگر جمله اصلی با **there** شروع شود، در سؤال کوتاه نیز از همان **there** استفاده می‌کنیم.
There'll be enough ice cream, **won't there?**
 - ۶ اگر جمله با **this** یا **that** شروع شود، در سؤال کوتاه از **it** استفاده می‌کنیم، و اگر جمله با **those** و **these** شروع شود، ضمیر فاعلی در سؤال کوتاه، **they** است.
That isn't true, **is it?** Those boys are very clever, **aren't they?**
حواستان باشد که **this** و **that** به تنهایی بیایند. اگر بعد از آن‌ها «انسان» بیاید، از **he** یا **she** استفاده می‌کنیم.
That boy is so handsome, **isn't he?**
 - ۷ چنان‌چه فاعل جمله، یکی از ضمائر به اصطلاح مبهم مانند **somebody**, **someone**, **no one**, **nobody**, **everyone**, **everybody** باشد، در سؤال کوتاه از **they** استفاده می‌کنیم. و اگر با **something**, **nothing**, **everything** باشد، ضمیر فاعلی در سؤال کوتاه **it** است.
Everyone was present, **weren't they?** No one is responsible for that, **are they?**
 - ۸ در صورتی که فعل کمکی جمله اصلی **am** باشد، در سؤال کوتاه از **am I not** یا **aren't I** استفاده می‌کنیم.
I am speaking English very well, **am I not (aren't I)?**
 - ۹ اگر جمله شرطی بود، از فعل کمکی نتیجه شرط در سؤال کوتاه استفاده می‌کنیم.
If you study hard, you will pass the exam easily, **won't you?**
 - ۱۰ گاهی افعال بی‌قاعده‌ای را که دارای سه قسمت یک شکل در زمان قسمت اول، دوم و سوم خود هستند، با فاعل سوم شخص مفرد (**he, she, it, Ali, cat, ...**) در جمله می‌بینید. اگر این افعال (s) سوم شخص نداشته باشند، گذشته محسوب می‌شوند و در سؤال کوتاه از **did** استفاده می‌کنیم. این افعال عبارت‌اند از:

حال	گذشته	قسمت سوم
cost	cost	cost
cut	cut	cut
fit	fit	fit

حال	گذشته	قسمت سوم
let	let	let
put	put	put
read	read	read



حال	گذشته	قسمت سوم
hit	hit	hit
hurt	hurt	hurt
burst	burst	burst

حال	گذشته	قسمت سوم
set	set	set
forecast	forecast	forecast
quit	quit	quit

 Simon **put** on his T-shirt, **didn't** he?

 My Mother **read** a newspaper, **didn't** she?

گاهی اوقات تشخیص فعل کمکی مخفف در جمله اول کمی دشوار است. برای این که فعل کمکی را تشخیص دهیم باید به فعل بعد از آن توجه کنیم. ۱۱

- 's + ing = is (He's going to school, isn't he?)
 's + p.p = has (He's gone to school, hasn't he?)
 's + صفت مفعولی = is (It's written every day, isn't it?) این جمله مجهول است.
 's + صفت = is (He's angry, isn't he?)
 'd + p.p = had (He'd gone to school, hadn't he?)
 'd + قسمت اول فعل = would (He'd go to school, wouldn't he?)

 He's speaking English, **isn't** he?

 He's spoken English, **hasn't** he?

نکات اضافی:

۱۲ اگر جمله با Let's شروع شود، از shall we استفاده می‌کنیم. حواستان باشد که Let's را با Let us اشتباه نگیرید. اگر جمله با Let شروع شود در دسته جملات امری قرار می‌گیرد که جلوتر توضیح خواهیم داد.

۱۳ اگر جمله با Don't شروع شود، از will you? در سؤال کوتاه استفاده می‌کنیم.

نکته اگر لحن سؤال کوتاه، افتان (falling) باشد، برای تأیید است؛ اما اگر خیزان (rising) باشد، واقعاً برای پرسش کردن است.

۱۴ اگر جمله امری باشد، از can you?, could you? و یا will you? در سؤال کوتاه استفاده می‌کنیم.

 Pass me that knife, **could** you? (**can** you?)

 Give me an example, **could** you? (**can** you?)

بهترین گزینه صحیح را انتخاب کنید.

- It's quite a big garden,?
 1) hasn't it 2) has it 3) isn't it 4) is it
- We can sit on the grass,?
 1) cannot we 2) can we 3) can't we 4) we can't
- You came in an SUV,?
 1) don't you 2) did you 3) you didn't 4) didn't you
- The students can't ever look at things from my point of view,?
 1) can they 2) cannot they 3) can the students 4) can't they
- Grey isn't working at the bank,?
 1) is he 2) is grey 3) isn't Grey 4) does he
- Kamran's never been to Shiraz,?
 1) does he 2) has he 3) doesn't he 4) hasn't he
- Jill has to renew her driver's license,?
 1) hasn't she 2) doesn't she 3) hasn't to Jill 4) does she
- This method is rarely used in modern laboratories,?
 1) isn't it 2) is it 3) didn't it 4) did it
- I believe that Mike didn't tell the truth that he was playing the guitar,?
 1) don't I 2) did he 3) wasn't he 4) didn't he
- Hamid believes that Mike didn't tell the truth,?
 1) Doesn't he 2) did he 3) wasn't he 4) didn't he



- ۱- گزینه «۳» باغ بسیار بزرگی است، این طور نیست؟
 فعل کمکی جمله is است و در سؤال کوتاه به isn't تبدیل می شود و از خود it برای فاعل سؤال کوتاه استفاده می کنیم.
- ۲- گزینه «۳» ما می توانیم روی چمن بنشینیم، مگر نه؟
 Can به can't تبدیل می شود. و از خود we در سؤال کوتاه استفاده می کنیم. حواسمان باشد که در صورت منفی بودن، حتماً باید فعل کمکی را به صورت مخفف بنویسیم.
- ۳- گزینه «۴» شما با یک ماشین شاسی بلند آمدید، این طور نیست؟
 زمان جمله، گذشته ساده است و از did در سؤال کوتاه استفاده می کنیم. ضمن این که جمله مثبت است و سؤال کوتاه را باید به شکل منفی مخفف بنویسیم. ۳ به این دلیل غلط است که جای دو جزء سؤال کوتاه جاها شده است.
- ۴- گزینه «۱» دانش آموزان هرگز نمی توانند از نقطه نظر من به مسائل نگاه کنند، این طور نیست؟
 فعل جمله منفی (can't) است، بنابراین فعل کمکی سؤال کوتاه باید مثبت باشد. و برای the students از ضمیر فاعلی they استفاده می کنیم. حواستان باشد که در سؤال کوتاه همیشه از ضمیر فاعلی استفاده کنید نه چیز دیگر!
- ۵- گزینه «۱» گری مشغول کار در بانک نیست، مگر نه؟
 جمله منفی است و سؤال کوتاه باید مثبت باشد. برای Grey هم از ضمیر فاعلی he استفاده می کنیم.
- ۶- گزینه «۲» کامران هرگز به شیراز نرفته است، این طور نیست؟
 به خاطر وجود قید منفی ساز never، سؤال کوتاه باید مثبت باشد. و به خاطر قسمت سوم فعل (s, been)، مخفف فعل کمکی has است و برای Kamran هم از ضمیر فاعلی he استفاده می کنیم.
- ۷- گزینه «۲» جیل باید گواهینامه رانندگی اش را تجدید کند، مگر نه؟
 در سؤال کوتاه، برای have to, has to, had to. به ترتیب از does, do, did استفاده می کنیم. چون جمله مثبت است، از doesn't استفاده می کنیم و برای Jill هم ضمیر فاعلی she می آوریم.
- ۸- گزینه «۲» این روش به ندرت در آزمایشگاه های مدرن استفاده می شود، این طور نیست؟
 به خاطر قید منفی ساز rarely، سؤال کوتاه باید مثبت باشد و برای method از ضمیر فاعلی it استفاده می کنیم.
- ۹- گزینه «۲» من معتقدم که مایک حقیقت را نگفت که داشت گیتار می زد، این طور نیست؟
 معمولاً سؤال کوتاه را برای عبارات اسمی بعد از I think, I guess, I know, I believe می آوریم. به فاعل "I" دقت کنید.
- ۱۰- گزینه «۱» در این جا فاعل جمله Hamid است نه I. در این صورت سؤال کوتاه را برای جمله بعد از آن می آوریم.

جملات مرکب (Compound Sentences)

قبلاً گفته ایم که هر جمله باید حداقل یک فاعل و یک فعل داشته باشد. به چنین جمله ای، جمله ساده می گوئیم. اما جمله ای که دارای بیش از یک فاعل و فعل است و با حروف ربط and, or, but, so و غیره به هم وصل می شود، جمله مرکب نامیده می شود. برای مثال، جمله شماره ۱، یک جمله ساده است و جمله شماره ۲، یک جمله مرکب محسوب می شود. حواستان به ویرگول قبل از حروف ربط باشد!

1. I get up early in the morning.
2. I get up early in the morning, **and** I make an omelet for myself.

کاربرد حروف ربط هم پایه and, but, or, so

۱- کاربرد and (و)

and زمانی استفاده می شود که می خواهیم توضیحات یا اطلاعاتی را به جمله قبلی اضافه کنیم، و نشان دهنده فعالیتها یا احساسات مشابه است. ما دیشب در خانه ماندیم، و یک فیلم تماشا کردیم. We stayed at home, **and** we watched a film last night. وقتی به خانه رسیدم، واقعاً دیر بود، و من خیلی خسته بودم. When I got home, it was really late, **and** I was very tired. به جین تلفن کردم، و به مدت یک ساعت حرف زدیم. I called Jane, **and** we talked for an hour.

۲- کاربرد but (اما)

از این حرف ربط، زمانی استفاده می شود که می خواهیم دو ایده متضاد را به هم وصل کنیم. لوگن مجله می خواند، اما دوست ندارد کتاب بخواند. Logan reads magazines, **but** he doesn't like to read books. گلدان از دستم افتاد، اما نشکست. I dropped the vase, **but** it didn't break. نایکی یک ماشین دارد، اما اغلب سوارش نمی شود. Nike has a car, **but** he doesn't often drive it.



تست های گرامر

1232. Nigel's passport He has to go to the U.S. embassy in Paris.

- 1) stole 2) has stolen 3) was stealing 4) was stolen

1233. The rooms yet. Could you please clean them?

- 1) have been not cleaned 2) have not been cleaned
3) are not being cleaned 4) had not been cleaned

1234. A new motorcycle for Reza for his recent success in the exam.

- 1) bought 2) was bought 3) has bought 4) has been bought

1235. A collection of over 50 works from ancient civilizations in Western Asia, Europe and North Africa
by hundreds of people every day.

- 1) is visited 2) was visited 3) are visited 4) has been visited

1236. This collection from eight sections of the Louvre Museum and is presented to the visitors in four main sections.

- 1) has selected 2) was selecting
3) has been selected 4) is selecting

1237. The letter's been written by one of the best students in the class, it?

- 1) hasn't 2) isn't 3) has 4) is

1238. I love New York, I wouldn't like to live there it's too big.

- 1) but - because 2) so - but 3) yet - but 4) so - or

1239. Fiat by a group of Italian businessmen in 1899. In 1903, Fiat 132 cars. Some of these cars were exported to United States and Britain.

- 1) was started - was produced 2) has been started - produced
3) has started - has been produced 4) was started - produced

1240. Philip's not talked to Mary since she went on holiday, he?

- 1) is 2) hasn't 3) isn't 4) has

1241. No one is allowed to visit the Snake Island in Brazil,?

- 1) is he 2) isn't he 3) are they 4) aren't they

1242. Someone has to tell Chris to stop whinning,?

- 1) has they 2) hasn't he 3) don't they 4) doesn't he

1243. The Christmas I remember best from my childhood when I was about five, just after my younger sister

- 1) was happened - was born 2) has been happened - born
3) happened - was born 4) was happened - born

1244. Richard'd like you to meet his friend,?

- 1) hadn't he 2) had he 3) wouldn't he 4) would he

1245. I sometimes drink coffee in a restaurant, I prefer tea most of the time.

- 1) but 2) because 3) or 4) so

1246. We must lock the doors when we go out, we?

- 1) don't 2) do 3) mustn't 4) must

۱۵۲- **گزینه ۳** واژه «even» در پاراگراف دو، خط پنجم (یا: حتی نان و موز)

توسط نویسنده استفاده شده تا احساس را منتقل کند.

- (۱) غم (۲) شادی (۳) شگفتی (۴) خوشی

۱۵۳- **گزینه ۲** براساس متن، اگر چیزی چندمنظوره باشد، می تواند

برای استفاده شود.

- (۱) انجام دادن یک نوع کار (۲) انجام دادن انواع مختلف کار
(۳) آب خوردن (۴) تنفس هوای پاک

۱۵۴- **گزینه ۳** کدام جمله جامع ترین خلاصه از پاراگراف آخر است؟

- (۱) فیل‌ها قوی ترین حیواناتی هستند که روی زمین زندگی می کنند.
(۲) انسان‌ها باید از حیوانات در معرض خطر محافظت کنند و به حفظ زیستگاهشان کمک نمایند.

(۳) فیل‌ها حیوانات مفید و در معرض خطری هستند که باید از آن‌ها محافظت کنیم.

(۴) انسان‌ها از فیل‌ها برای اهداف متفاوتی مانند حمل اجسام سنگین استفاده می کنند.

۱۵۵- **گزینه ۴** فکر می کنم بعضی از هم کلاسی‌هایم سریع تر از من یاد

می گیرند. در حقیقت، من به اندازه بعضی از دانش آموزان در کلاس سریع یاد نمی گیرم.

فعل learn یک فعل غیراسنادی است و باید بعد از آن از قید حالت (lyدار) استفاده کنیم، بنابراین ۱ و ۳ را ندید کنار می گذاریم. ۲ هم به خاطر نداشتن more نادرست است.

۱۵۶- **گزینه ۳** بسیاری از مردم می گویند که ونیز زیباترین شهر در

جهان است. اما من فکر می کنم که فلورانس زیباتر است.

در جای خالی اول، ونیز از بین تمام شهرهای جهان متمایز شده است و باید از صفت برترین استفاده کنیم، به علاوه این که حرف اضافه in هم از نشانه‌های صفت برترین است. اما در جای خالی دوم، مقایسه بین فلورانس و ونیز است و نباید از صفت برترین و ساده استفاده کنیم. beautiful یک صفت چندبخشی است و در صفت برترین و برتری به ترتیب با the most و more همراه می شود. حواسمان هم باید به معنی جمله باشد!

۱۵۷- **گزینه ۳** ما یک خانواده پنج نفره هستیم و آن ماشین برای ما

خیلی کوچک است. ما به یک ماشین بزرگ تر نیاز داریم.

مقایسه، بین ماشین کنونی و یک ماشین بزرگ تر است و باید از صفت برتری استفاده کنیم. از ضمیر one به جای car در جای خالی استفاده شده است، بنابراین قابل شمارش محسوب می شود و باید با حرف تعریف a همراه شود.

۱ به این دلیل غلط است که با حرف تعریف a نیامده است.

۱۵۸- **گزینه ۲** امروز واقعاً خوشحالم زیرا امتحان از همه امتحان‌های

دیگر کمی آسان تر بود.

مقایسه بین این دو چیز است (این امتحان و امتحانات دیگر)، بنابراین نباید از صفت برترین (۳) استفاده کنیم. هم چنین، برای افزودن غلظت صفت برتری می توانیم از a lot، a bit، much و a little استفاده کنیم.

فیل‌ها هیکل خاکستری رنگ بزرگی با پوستی بسیار زبر دارند، اگر چه فیل‌های سفید در تایلند یافت می شوند. فیل‌ها چهار تا پای ستون شکل، دو گوش بادبزنی شکل، یک خرطوم دراز، دمی کوتاه و دو چشم کوچک دارند. فیل‌ها از خرطومشان برای اهداف گوناگونی مثل غذا خوردن، حمام کردن، نفس کشیدن، ابراز احساسات، بلند کردن، جنگیدن، و تعدادی کاربردهای دیگر استفاده می کنند. به خاطر همین آن یک عضو چندمنظوره نامیده می شود. یک فیل نر دو دندان سفید بلند دارد که عاج نامیده می شوند. آن می تواند برگ‌های سبز نرم، گیاهان، دانه‌ها، و میوه‌های وحشی یا حتی نان و موز بخورد. طول عمر تقریباً طولانی دارد و می تواند تا صد و پنجاه یا دویست سال عمر کند. فیل‌ها می توانند صدای یکدیگر را از فاصله طولانی حدود ۵ مایل دورتر را بشنوند. وقتی فیل نر بزرگ می شود، شروع به تنها زندگی کردن می کند، اما فیل ماده در گروهی به نام گله زندگی می کند.

فیل‌ها هم باهوش و هم عاطفی هستند و وقتی یکی از آن‌ها می میرد، اعضای خانواده گریه می کنند. آن‌ها طبیعتی بسیار آرام دارند اما اگر آن‌ها را اذیت کنید، می توانند بسیار خشمگین و خطرناک شوند و حتی همه چیز را نابود کنند یا انسان‌ها را بکشند. آن‌ها به حیواناتی باهوش و وفادار معروف هستند زیرا بعد از آموزش دیدن همه علائم نگهبانان خود را می فهمند.

دو نوع فیل وجود دارد: فیل آفریقایی و فیل آسیایی. فیل‌های آفریقایی کمی بزرگ تر و تیره تر از فیل‌های آسیایی هستند. آن‌ها هم چنین گوش‌های برجسته تری دارند. فیل‌ها عموماً در هند، آفریقا، سریلانکا، برمه و تایلند یافت می شوند. عموماً دوست دارند در گله زندگی کنند و بسیار شیفته آب هستند. همه آن‌ها شنا را خوب بلدند. یک فیل می تواند روزانه ۴۰۰ پوند غذا و ۳۰ گالن آب بخورد.

فیل‌ها حیوانات بسیار مفیدی هستند و دوستان خوبی برای بشر بوده‌اند. آن‌ها به انسان‌ها در جنگ‌ها و هم چنین برای حمل چیزهای خیلی سنگین کمک کرده‌اند.

استخوان‌ها و عاج‌های فیل برای ساختن دسته چاقو، شانه، و تعدادی وسایل تجملی دیگر مورد استفاده قرار می گیرند. فیل‌ها به خاطر اندازه‌شان، دندان‌های عاج گران قیمتشان، شکار و غیره در معرض خطر انقراض قرار دارند. به منظور داشتن آن‌ها در طبیعت، باید از آن‌ها محافظت شود.

۱۴۹- **گزینه ۴** تعدادی از ویژگی‌های فیل‌ها در پاراگراف‌های ۱،

۲ و ۳ بیان شده است.

- (۱) عمومی، جسمی، و عملی (۲) جسمی، شخصی، و عمومی
(۳) شخصی، عمومی، و جسمی (۴) عمومی، جسمی، و عاطفی

۱۵۰- **گزینه ۱** مناسب ترین عنوان برای این متن است.

(۱) بیایید درباره فیل‌ها اطلاعات بیشتری کسب کنیم

(۲) فیل‌ها در معرض خطر هستند

(۳) فیل‌های آفریقایی بسیار بزرگ هستند

(۴) فیل‌ها به انسان‌ها کمک می کنند

۱۵۱- **گزینه ۲** واژه «they» در پاراگراف ۴، خط دو به اشاره دارد.

(۱) فیل‌های آسیایی (۲) فیل‌های آفریقایی

(۳) آفریقایی‌ها (۴) آسیایی‌ها



۱۶۹- **گزینه ۴** امروز همانند گذشته، ویولون سازهای زیادی وجود ندارد. **حُب**، به خاطر وجود یک as ما نیاز به یک as دیگر داریم.

۱۷۰- **گزینه ۳** ما به خاطر باران شدید بیرون نرفتیم. فقط در خانه ماندیم و به جایش قهوه گرم خوردیم.

در این جا، چیزی با چیز دیگری مقایسه نمی شود، بنابراین از صفت ساده استفاده می کنیم.

۱۷۱- **گزینه ۴** نهنگ بزرگ تر از فیل است، اما خیلی جالب است، مغز فیل بسیار بزرگ تر از مغز نهنگ است.

big یک صفت تک بخشی است، و هنگام تبدیل به صفت برتری، پسوند er به آن اضافه می شود. ضمن این که می توانیم از much برای تأکید بیشتر در صفت برتری استفاده کنیم.

۱۷۲- **گزینه ۱** دیروز یک میز چوبی گرد بزرگ زیبا برای اتاق نشیمنمان خریدم.

ترتیب صفات برای این تست از چپ به راست:

جنس + شکل + اندازه + کیفیت

۱۷۳- **گزینه ۳** بعضی افراد معتقدند که کودکان امروزه خیلی مؤدب نیستند. آن ها فکر می کنند که کودکان در گذشته مؤدب تر بودند.

چون کودکان امروز را با کودکان دیروز مقایسه می کند که دیروزی ها مؤدب تر بودند، از صفت برتری استفاده می کنیم. polite یک صفت چند بخشی است، و برای تبدیل به صفت برتری با more می آید.

۱۷۴- **گزینه ۱** به عقیده من، پول واقعاً مهم است، اما مهم ترین چیز در زندگی نیست.

با توجه به معنی از صفت برترین استفاده می کنیم. important یک صفت چند بخشی است و برای تبدیل به صفت برترین، the most با آن همراه می شود.

۱۷۵- **گزینه ۴** شما نباید غذا پتان را آن قدر تند بخورید. برای شما خوب نیست.

eat یک فعل غیر اسنادی است و بعد از آن قید حالت می آید، ولی (is)'s یک فعل اسنادی است و بعد از آن صفت می آوریم.

۱۷۶- **گزینه ۴** کدام جمله صحیح است؟

دلیل رد ۱ more و er با هم نمی آیند.

دلیل رد ۲ به جای as باید از than استفاده می کردیم.

دلیل رد ۳ قبل از coldest باید از حرف تعریف the استفاده می کردیم.

۱۷۷- **گزینه ۴** خواهرم مهم ترین شخص در زندگی من است. او را خیلی دوست دارم و نمی توانم بدون او زندگی کنم.

به خاطر معنی جمله، از صفت برترین استفاده می کنیم. important یک صفت چند بخشی است و باید برای تبدیل به صفت برترین از the most استفاده کنیم.

۱۷۸- **گزینه ۲** نتیجه آزمون می گوید که مارک خلاق تر از جک است. قبل از جای خالی more آمده است، بنابراین نتیجه می گیریم صفت بعد از آن باید یک صفت چند بخشی باشد.

۱۵۹- **گزینه ۳** ما آخر هفته گذشته به یک رستوران قدیمی رفتیم، اما از غذایمان لذت نبردیم. آن ها استیک را بد پختند. بوی بدی می داد.

cook یک فعل غیر اسنادی است، بنابراین بعد از آن قید حالت می آید، اما smell به معنی «بودادن» یک فعل اسنادی است و با صفت همراه می شود.

۱۶۰- **گزینه ۱** مری در گزارش هایش درباره همه چیز می نویسد. به همین دلیل، گزارش جدید او دقیق تر از گزارش تد است.

به خاطر حرف اضافه than، از صفت برتری استفاده می کنیم. از طرفی detailed یک صفت چند بخشی است و باید با more بیاید.

۱۶۱- **گزینه ۳** من و دوستانم واقعاً خوشحال و هیجان زده هستیم. نتایج امتحان ما خوب است. همه ما خوب امتحان دادیم.

are جزء افعال اسنادی است و بعد از آن صفت می آید، اما did یک فعل غیر اسنادی است و بعد از آن از قید حالت استفاده می کنیم.

۱۶۲- **گزینه ۲** کدام یک از موارد زیر درست نیست؟

به خاطر فعل غیر اسنادی do باید quickly می آمد.

۱۶۳- **گزینه ۲** فرد همسرش را خیلی زیاد دوست دارد. او یک لباس کتان ژاپنی قرمز زیبا به عنوان هدیه تولد برایش خریده است.

ترتیب صفات برای این تست از چپ به راست:

جنس + ملیت + رنگ + کیفیت

۱۶۴- **گزینه ۳** این یک کامپیوتر تجاری ژاپنی قدرتمند است. شما می توانید آن را برای شرکتتان بگیرید.

ترتیب صفات برای این تست از چپ به راست:

کاربرد + ملیت + کیفیت

۱۶۵- **گزینه ۱** از بین سه برادر، رابرت از همه دیرتر بیدار می شود. او کمی تنبل است.

مقایسه بین رابرت و سایر برادرانش است، یعنی یک نفر در یک گروه. بنابراین باید از صفت برترین استفاده کنیم.

۱۶۶- **گزینه ۴** فکر می کنم که ما در بدترین هتل جزیره اقامت کردیم. استانداردهای بالایی نداشت.

چون این هتل در بین هتل های دیگر جزیره مورد مقایسه قرار گرفته است، باید از صفت برترین استفاده کنیم. صفت bad جزء صفات بی قاعده است، و برای تبدیل به صفت برترین، از the worst استفاده می کنیم.

۱۶۷- **گزینه ۱** طرح شما ممکن است جالب باشد، اما درباره اش کم می دانیم. امیدواریم به زودی جزئیات بیشتری (درباره اش) کسب کنیم. further به معنی «بیشتر» است.

۱۶۸- **گزینه ۳** نگران نباش! این کم خطرترین مار در جهان است! چون مار مورد نظر در بین مارهای دیگر سنجیده شده است، از صفت برترین استفاده می کنیم. little هم جزء صفات بی قاعده است و صفت برترین آن

the least می شود.



۲۰۵- گزینه ۱ کیت همیشه دوست دارد یک ماشین ایتالیایی زرد جدید کوچک را براند. او فکر می‌کند که آن خیلی زیبا است. ترتیب صفات برای این تست از چپ به راست:

ملیت + رنگ + سن + اندازه

۲۰۶- گزینه ۴ داستانی که شما گفتی از همه غم‌انگیزتر بود. فقط یک نگاهی به صورت غمگین بچه‌ها بینداز!
all of از علائم صفت برترین است، ضمن این که sad یک صفت تک‌بخشی است و نمی‌تواند با the most همراه شود (دلیل ۳د).

۲۰۷- گزینه ۱ کدام جمله صحیح است؟
the worse the غلط است و باید the worst بیاید.
دلیل ۳د به جای from باید از than استفاده می‌کردیم.
دلیل ۴د به جای the cleverest باید از more clever یا cleverer استفاده می‌کردیم.

۲۰۸- گزینه ۴ کدام جمله صحیح است؟
دلیل ۱د قبل از coldest باید از حرف تعریف the استفاده می‌کردیم.
دلیل ۲د walk یک فعل غیراسنادی است و باید قید حالت (slowly) می‌آمد نه صفت (slow).
دلیل ۳د was یک فعل اسنادی است و باید از صفت (polite) استفاده می‌کردیم نه قید حالت (politely).

۲۰۹- گزینه ۱ کدام گزینه صحیح است؟
دلیل ۲د به جای the most باید از more استفاده می‌کردیم.
دلیل ۳د بعد از difficult باید as می‌آمد.
دلیل ۴د به جای many باید از much استفاده می‌کردیم، چون much برای تأکید بیشتر قبل از یک صفت برتری می‌آید.

۲۱۰- گزینه ۱ موزه ملی پر از آثار هنری شگفت‌انگیز هنری از همه گوشه و کنار کشورمان بود. دوست دارم دوباره از آن دیدن کنم.
(۱) شگفت‌انگیز، عجیب، عالی (۲) مفید
(۳) قوی (۴) دردناک، سخت

۲۱۱- گزینه ۳ فضانوردان ایستگاه بین‌المللی فضایی عکس‌هایی از سیاره تازه کشف‌شده که حلقه قهوه‌ای زیبا در اطرافش دارد، گرفته‌اند.
(۱) سنگ، صخره (۲) سلول (۳) حلقه (۴) مدار

۲۱۲- گزینه ۲ این داستان علمی - تخیلی دربارهٔ مرد شجاعی است که تصمیم می‌گیرد زمین را ترک کند و در سیارات دیگری مانند مریخ در منظومهٔ شمسی زندگی کند.
(۱) دشت (۲) سیاره (۳) زمین، خشکی (۴) فضا

۲۱۳- گزینه ۳ شما می‌توانید ستاره‌ها و سیارات را تماشا کنید و با تلسکوپ‌های پیشرفته، پدیده‌های نجومی را در رصدخانه مطالعه کنید.
(۱) دانشگاه (۲) آزمایشگاه
(۳) رصدخانه (۴) اداره، دفتر کار

۱۹۶- گزینه ۳ فکر می‌کنم که خیلی خودخواهانه رفتار کردید. رفتار شما را دوست نداشتم.

behave یک فعل غیراسنادی است و باید بعد از آن قید حالت بیاید نه صفت.

۱۹۷- گزینه ۲ دوستم احساس شادی زیادی می‌کند زیرا برادرش از فرانسه می‌آید.
feel یک فعل اسنادی است و باید بعد از آن از صفت استفاده کنیم. (۱) و (۴) قید حالت هستند، و (۳) یک اسم است.

۱۹۸- گزینه ۱ الف: «آیا می‌توانم کمکتان کنم؟»
ب: «بله، برای دخترم دنبال یک لباس نخی قرمز اندازهٔ متوسط می‌گردم.»
ترتیب صفات برای این تست از چپ به راست: جنس + رنگ + اندازه

۱۹۹- گزینه ۴ دیو و من رفتیم تا بدویم. من ده کیلومتر دویدم. دیو بعد از هشت کیلومتر ایستاد. من بیشتر از دیو دویدم.
far (دور) یک صفت بی‌قاعده است، و در صفت برتری به farther تبدیل می‌شود.

۲۰۰- گزینه ۳ تعطیلات ما خیلی کوتاه بود و زمان بسیار سریع سپری شد. ما باید در زمستان به دومین تعطیلات برویم.
در جای خالی اول، به خاطر فعل اسنادی was از صفت استفاده می‌کنیم و در جای خالی دوم به خاطر فعل غیراسنادی pass قید حالت به کار می‌بریم.

۲۰۱- گزینه ۱ با وجود این که او یک شخصیت پنهان کار دارد، او را خوب می‌شناسم - احتمالاً بهتر از هر شخص دیگری که او را می‌شناسد.
know یک فعل غیراسنادی است و باید بعد از آن از قید حالت به جای صفت استفاده کنیم، بنابراین (۲) و (۴) غلط از آب درمی‌آیند چون good صفت است نه قید حالت. از طرفی هم good یک صفت بی‌قاعده است و better صفت برتری آن است.

۲۰۲- گزینه ۲ معلم تاریخ جوان جذاب جین دانش زیادی دربارهٔ تاریخ و فرهنگ ایران دارد. او حقایق جالب زیادی دربارهٔ کشور به آن‌ها یاد می‌دهد.
ترتیب صفات برای این تست از چپ به راست:

کاربرد یا هدف + سن + کیفیت

۲۰۳- گزینه ۳ امروز سر کار خیلی کار داشتیم (سرمان شلوغ بود). معمولاً سرمان این قدر شلوغ نیست.

چون مقایسه بین دو چیز است - کار امروز و کار روزهای دیگه - و با توجه به معنی جمله از صفت برابری استفاده می‌کنیم، ضمن این که (۱) و (۴) از لحاظ ساختاری غلط هستند. چون busy یک صفت دوبخشی لدار است که با آن مثل یک صفت تک‌بخشی برخورد کردیم.

۲۰۴- گزینه ۲ دختر خالهٔ فیونا بهترین دانش‌آموز در کلاسش است. اما من از او بهتر هستم.

در جای خالی اول، به خاطر حرف اضافهٔ in که دختر خالهٔ فیونا را از بین بقیه در کلاس متمایز کرده است، از صفت عالی استفاده می‌کنیم، اما در جای خالی دوم، به دلیل این که مقایسه بین دو نفر (من و دختر خالهٔ فیونا) است، و همچنین با توجه به معنی جمله از صفت برتری استفاده می‌کنیم. برای ساختن صفت برتری از good، آن را تبدیل به better می‌کنیم.

۲۱۴- **گزینه ۲** خورشید بزرگ‌ترین ستاره در منظومه شمسی است و ماه و زمین به دور آن می‌چرخند.

(۱) آمدن (۲) چرخیدن (۳) درخشیدن (۴) بالآمدن

۲۱۵- **گزینه ۲** این دو ماشین شبیه به هم هستند، اما ماشین قرمز خیلی گران‌تر از ماشین آبی است.

(۱) ارزان (۲) شبیه به هم، یکسان (۳) متفاوت (۴) خوش‌شانس

۲۱۶- **گزینه ۲** معبد هندی دیوارهای سنگی داشت و جملاتی با زبان بومی محلی رویشان حک شده بود.

(۱) جامد (۲) سنگی (۳) مایع (۴) نرم

۲۱۷- **گزینه ۳** در حالی که سیبری نزدیک قطب شمال واقع شده است، صربستان کشوری است که از آن‌جا دور است.

(۱) دور (۲) بعدی (۳) نزدیک (۴) بسته، نزدیک

۴ اگر با حرف اضافه to می‌آمد به معنی «نزدیک به» می‌شد.

۲۱۸- **گزینه ۲** دوست دارم یکی از آن ماشین‌های آمریکایی بسیار قدرتمند را بخرم تا به بالای تپه‌ها بروم و در رودخانه‌ها رانندگی کنم و از آن لذت ببرم.

(۱) قوی، قدرتمند (۲) مفید (۳) شگفت‌انگیز (۴) درناک، سخت

۲۱۹- **گزینه ۲** متخصصین تغذیه معتقدند که روغن مایع برای سلامتی ما مناسب‌تر و کم‌ضرتر از روغن جامد است.

(۱) سخت (۲) مایع (۳) گرم، داغ (۴) سرد

۲۲۰- **گزینه ۲** خورشید ستاره بسیار بزرگی در وسط منظومه شمسی است و همهٔ سیارات به دور آن می‌چرخند.

go around مترادف orbit است و هر دو به معنی «چرخیدن به دور» هستند.

۲۲۱- **گزینه ۱** حشراتی مانند مورچه‌ها و زنبورها موجودات شگفت‌انگیزی هستند. آن‌ها زندگی بسیار جالبی دارند.

(۱) حیرت‌آور، شگفت‌انگیز (۲) خطرناک (۳) مهم (۴) خسته‌کننده

۲۲۲- **گزینه ۲** بدن انسان واقعاً یک سیستم شگفت‌انگیزی است. هر عضوی مسئول وظایف خاصی است و به روش حیرت‌آوری کار می‌کند.

(۱) موفق (۲) امیدوار (۳) پرتنش، استرس‌زا (۴) شگفت‌انگیز

۲۲۳- **گزینه ۳** ما واقعاً هیجان‌زده هستیم زیرا قصد داریم رصدخانهٔ تهران که یک آسمان‌نمای پیشرفته دارد را ببینیم.

(۱) ترک کردن (۲) خریدن (۳) دیدن، ملاقات کردن (۴) ویران کردن

۲۲۴- **گزینه ۳** شترها می‌توانند برای یک مدت طولانی بدون آب زنده بمانند. آن‌ها حیوانات بسیار قوی هستند.

(۱) با (۲) نزدیک (۳) بدون (۴) در

۲۲۵- **گزینه ۲** بعضی از سیارات حلقه‌ای دارند که آن‌ها را جذاب‌تر و زیباتر می‌کند.

(۱) رصدخانه (۲) تلسکوپ (۳) حلقه (۴) میکروسکوپ

۲۲۶- **گزینه ۴** فکر می‌کنم که همهٔ حیوانات قلب دارند که آن‌ها را با تلمبه‌زدن خون به قسمت‌های مختلف بدنشان زنده نگه می‌دارد.

(۱) عضو (۲) مغز (۳) سر (۴) قلب

۲۲۷- **گزینه ۲** دانشمندان برای تماشای سیارات منظومه شمسی از تلسکوپ‌های گوناگونی در رصدخانه استفاده می‌کنند.

(۱) میکروسکوپ (۲) تلسکوپ (۳) عینک (۴) حلقه

۲۲۸- **گزینه ۲** یکی از شگفتی‌های خلقت، خون است که اکسیژن تازه را به سرتاسر بدن می‌برد.

(۱) قلب (۲) خون (۳) غذا (۴) آب

۲۲۹- **گزینه ۲** زیست‌شناسان از میکروسکوپ‌های ویژه برای دیدن و مطالعهٔ موجودات زندهٔ بسیار کوچک و سلول‌ها استفاده می‌کنند.

(۱) تلسکوپ (۲) رصدخانه (۳) میکروسکوپ (۴) دوربین

۲۳۰- **گزینه ۲** بدن ما شبیه به یک سیستم است. قسمت‌های مختلفی دارد که برای سالم و قوی نگه‌داشتن ما با هم کار می‌کنند.

(۱) تصویر (۲) سیستم (۳) عضو (۴) ساختمان

۲۳۱- **گزینه ۲** خواجه نصیر طوسی یک دانشمند ایرانی بود که ستارگان و سیارات را مطالعه می‌کرد. این شگفتی‌های خلقت واقعاً برای او جالب بودند.

(۱) خسته‌کننده (۲) جالب (۳) خسته‌کننده (۴) افسرده‌کننده

۲۳۲- **گزینه ۲** سیارات در منظومه شمسی واقعاً حیرت‌آور هستند، اما زیاد شبیه به هم نیستند. اگر با استفاده از تلسکوپ به آن‌ها نگاه کنید، می‌توانید تفاوت‌هایشان را ببینید.

(۱) مانند (۲) خوش‌شانس (۳) احتمالی (۴) شبیه به هم

۲۳۳- **گزینه ۲** بعضی از بیماران قلب ضعیف‌تری دارند که نمی‌تواند خون را به اعضای مختلف بدن تلمبه کند.

(۱) آوردن (۲) تلمبه کردن، پمپاژ کردن (۳) استفاده کردن (۴) فروختن

۲۳۴- **گزینه ۱** دانشمندان از میکروسکوپ‌ها برای مطالعهٔ سلول‌ها که کوچک‌ترین قسمت بدن انسان هستند، استفاده می‌کنند.

(۱) سلول (۲) قلب (۳) عضو (۴) مغز

۲۳۵- **گزینه ۲** رانندهٔ بی‌احتیاط تندرانندگی می‌کرد و نتوانست ماشینش را کنترل کند. او به در بیمارستان برخورد کرد و تابلوی بزرگ، روی ماشینش افتاد.

(۱) پیچیدن (۲) واردشدن (۳) افتادن (۴) بالارفتن



۲۳۶- گزینه ۲ وقتی زمستان گذشته برف خیلی سنگینی در تهران داشتیم، هزاران نفر خواستند شهر را ترک کنند، اما نتوانستند ماشین‌هایشان را بیرون ببرند.
thousands of به معنی «هزاران، تعداد زیاد» است.

۲۳۷- گزینه ۲ سبک زندگی سالم شامل ورزش روزانه مانند پیاده‌روی، دویدن، دو آهسته یا شنا می‌شود.
(۱) تمرین
(۲) استراحت کردن
(۳) کمک کردن
(۴) ورزش
physical exercise به معنی «ورزش» است، البته exercise به تنهایی هم «ورزش» معنی می‌دهد.

۲۳۸- گزینه ۲ به خاطر آب‌وهوای گرم و خشک، روستاییان آب کافی برای نوشیدن نداشتند بنابراین آن‌ها از یک وسیله ساده برای تلمبه کردن آب رودخانه به روستایشان استفاده کردند.
(۱) دریافت کردن
(۲) تلمبه‌زدن، پمپاژ کردن
(۳) جمع‌آوری کردن
(۴) به نظر رسیدن

۲۳۹- گزینه ۳ ما می‌توانیم بدن قوی داشته باشیم و طولانی‌تر زندگی کنیم اگر همیشه بکشیم از فست‌فود پرهیز کنیم و به جایش غذای سالم بخوریم.
(۱) مایع
(۲) ذهنی، روحی
(۳) سالم
(۴) بدنی، جسمی

۲۴۰- گزینه ۳ سربازان شجاع به مدت دو ماه با آب و غذای اندک از شهرشان دفاع کردند تا این که کمک رسید.
(۱) ویران کردن
(۲) ساختن، خلق کردن
(۳) دفاع کردن
(۴) حمله کردن

۲۴۱- گزینه ۲ شترها حیوانات قوی هستند و می‌توانند چیزهای زیادی را در بیابان‌های گرم و خشک ایران حمل کنند.
(۱) دفاع کردن
(۲) تلمبه‌زدن
(۳) انتخاب کردن
(۴) حمل کردن

۲۴۲- گزینه ۲ من و همکلاسی‌هایم تصمیم گرفتیم برای کمک کردن به افرادی که خانه‌هایشان را در زلزله کرمانشاه از دست دادند، مقداری پول جمع کنیم.
(۱) فرستادن
(۲) جمع کردن
(۳) خرج کردن، گذراندن
(۴) داشتن

۲۴۳- گزینه ۲ دیروز باران شدیدی می‌بارید و من از گوش دادن به (صدای) قطرات باران روی سقف خانه‌مان لذت می‌بردم.
(۱) قطعه، تکه
(۲) قطره
(۳) قسمت، بخش
(۴) سلول

۲۴۴- گزینه ۳ حتی ریزاندامگان‌های بسیار کوچک نیز اعضای دارند که از سلول ساخته شده است.
(۱) بدن
(۲) قلب
(۳) سلول
(۴) دست

۲۴۵- گزینه ۲ پس از بارش برف سنگین یک هفته‌ای و هوای سرد، اکنون آسمانی صاف و آفتابی داریم و می‌توانیم به اسکی برویم.
(۱) ابری
(۲) صاف، تمیز
(۳) تیره، تاریک
(۴) گرم

۲۴۶- گزینه ۲ دیروز یاد کتاب می‌خواند و می‌خواهد یک کتابخانه شخصی غنی داشته باشد، بنابراین او تقریباً هر نوع کتابی را جمع‌آوری می‌کند.
(۱) فروختن
(۲) جمع‌آوری کردن
(۳) نوشتن
(۴) معرفی کردن

۲۴۷- گزینه ۳ پیشینه خانوادگی فقیر او واقعی است که با وجود این که او اکنون یک میلیونر است، نمی‌تواند آن را فراموش کند.
(۱) سرگرمی
(۲) مبارزه
(۳) واقعیت
(۴) درس

۲۴۸- گزینه ۳ گاهی از خود می‌پرسم که چه کاری انجام می‌دادم اگر کسب‌وکار بزرگی داشتم و می‌توانستم پول زیادی برای خرج کردن کسب کنم.
(۱) فراموش کردن
(۲) به خاطر آوردن
(۳) از خود پرسیدن
(۴) گفتن

۲۴۹- گزینه ۲ دشمن ما حمله‌ای غافلگیرانه در شهرهای مرزی ما داشت و مردم عادی زیادی برای دفاع از کشورمان در برابر مهاجمان به ارتش ملحق شدند.
(۱) برای
(۲) مقابل، در برابر
(۳) با
(۴) به، به وسیله، تا

۲۵۰- گزینه ۳ مردم بسیاری در زلزله کرمانشاه مجروح شدند و ما با عجله برای اهدای خون به بیمارستان محلی رفتیم.
(۱) خریدن
(۲) بردن
(۳) اهدا کردن
(۴) ارائه دادن

۲۵۱- گزینه ۳ من در یک مهمانی که افراد غریبه زیادی باشند، احساس راحتی نمی‌کنم؛ ترجیح می‌دهم با دوستانم مهمانی بگیرم.
(۱) خوب
(۲) بد
(۳) عجیب، غریبه
(۴) بسته، صمیمی، نزدیک

۲۵۲- گزینه ۱ بسیاری از وبسایت‌های خبری در سطح جهانی یک لینک «نظر شما» دارند که شما می‌توانید نظراتان را درباره هر خبری بیان کنید.
(۱) نظر
(۲) سکوت
(۳) نوشته
(۴) سؤال

۲۵۳- گزینه ۲ تهران به خاطر ماشین‌ها و کارخانه‌های زیاد، معمولاً آلوده است اما وقتی کمی باد یا باران می‌آید مردم واقعاً خوشحال می‌شوند چون می‌توانند هوای تازه استشمام کنند.
(۱) زیبا
(۲) گرم
(۳) سرد
(۴) تازه

۲۵۴- گزینه ۳ من پاسخ را نمی‌دانستم، اما معلم یک سرنخ به من داد و توانستم به درستی به آن پاسخ دهم.
(۱) پاسخ
(۲) جمله
(۳) سرنخ، اشاره، تذکر
(۴) پرسش



زبان جامع نردبام

۵۶۳- گزینه ۴

- (۱) مکان، سایت
(۲) طیف، دامنه، برد
(۳) نماینده
(۴) وسیله، روش

۵۷۳- گزینه ۱

- (۱) احترام گذاشتن به
(۲) پیدا کردن، قرار گرفتن
(۳) جذب کردن
(۴) اطلاع دادن

۵۶۴- گزینه ۳

- (۱) به طور شگفت آور
(۲) احتمالاً
(۳) به ویژه
(۴) به طور متفاوت

۵۷۴- گزینه ۳

- (۱) سنت
(۲) تجربه
(۳) مقصد
(۴) جشن

۵۷۵- گزینه ۲

از should برای توصیه کردن و پیشنهاد دادن استفاده می کنیم. ۳ باید با to می آمد.

۵۶۵- گزینه ۱

«as much as» به معنی «تا آن جایی که، هر چه قدر که» است.

Reading passage 1

سفر کردن لذت‌های گوناگونی را برای ما به ارمغان می آورد. این لذت‌ها ممکن است شامل سفرهای هیجان‌انگیز به مکان‌های زیبا باشد که مناسب یک عکس عالی، یا غذاهای محلی منحصر به فرد و بسیار خوشمزه است که ما آن‌ها را در خانه نمی‌یابیم، یا حتی تجربه دیدن مردم جدید که بسیار متفاوت از آن‌هایی هستند که هر روز می‌بینیم. گردشگری این امکان را به ما می‌دهد که کارهای بیشتری از صرفاً یادگیری حقایق درباره مکان‌های و جاهای مختلف انجام دهیم. آن (گردشگری) به ما کمک می‌کند فرهنگ‌ها و سبک زندگی سایرین را تجربه کنیم و تأثیرات ماندگاری بر ذهن ما دارد.

سفر کردن یک تجربه یادگیری رضایت‌بخش با امتیازات بی‌نظیری است، اما این مزایا می‌تواند حتی از طریق طبیعت‌گردی افزایش هم پیدا کند. طبیعت‌گردی به شما امکان می‌دهد با سطح بالاتری از رضایت شخصی سفر کنید زیرا نه تنها کمک به حفظ زمین می‌کنید، بلکه به کیفیت زندگی مردم هم کمک می‌نمایید.

جوامع محلی زیادی وجود دارد که هیچ فرصتی برای پیشرفت از طریق توسعه صنعتی ندارند. بنابراین، آن‌ها می‌توانند تا حد زیادی از گردشگرانی که به فرهنگ، طبیعت، و سرزمینشان احترام می‌گذارند و در عین حال به اقتصادشان کمک می‌کنند، بهره ببرند.

هر چه بیشتر درباره مکان خاصی اطلاع داشته باشیم، عشق و تحسین ما افزایش می‌یابد و به ما الهام می‌دهد تا از آن محافظت کنیم. راهنماها و میزبان‌های تور برای به اشتراک گذاشتن اطلاعات با گردشگران، آموزش می‌بینند در حالی که گردشگران می‌آیند تا زیبایی منطقه را تحسین کنند. گردشگران علاوه بر لذت دیدن از منظره طبیعی زیبا، چشم‌انداز جدیدی به دست می‌آورند که با مطلع شدن درباره اهمیت زیست‌محیطی و تاریخی سرزمین‌ها و ساختمان‌های جدید همراه است.

هر چه مکان‌های ناشناخته را با روح کنجکاو و مهربانی کشف کنیم، گفت‌وگوهای مهمی را با مردم محلی و گردشگران دیگر آغاز می‌کنیم. از طریق داستان‌هایشان، می‌توانیم بهتر بفهمیم که نیازها و خواسته‌های مردم محلی چه هستند.

متأسفانه، گردشگران توسط برخی به عنوان مهمانانی گستاخ که مشکلاتی را برای ساکنین محلی ایجاد می‌کنند، تلقی می‌شوند. این یک حقیقت است که افراد محلی اغلب توسط ترافیک زیاد، تقاضاهای غیرمعمول و ناتوانی گردشگران برای درک کردن و احترام گذاشتن به فرهنگ قومی آن‌ها مورد آزار قرار می‌گیرند.

cloze 3

هر ساله، میلیون‌ها نفر چمدان‌هایشان را می‌بندند یا کوله‌پشتی‌هایشان را می‌گذارند تا برای دیدن هفت قاره جهان بشتابند. آن‌ها در قلعه‌ها و موزه‌های اروپا، و شهرها و عجایب طبیعی آمریکای شمالی و جنوبی می‌چرخند. چرام مردم می‌خواهند جهان را بگردند؟ این کار به آن‌ها دید بهتری درباره زمین و مردمی که در آن زندگی می‌کنند، می‌دهد. ذهن‌ها را باز می‌کند، حس کمال به آن‌ها می‌دهد، و باعث می‌شود آن‌ها احساس زنده بودن کنند. بنابراین مقداری پول جمع کنید، گذرنامه‌تان را آماده نمایید، و دنیا را ببینید. این کار زندگی شما را برای همیشه تغییر خواهد داد.

۵۶۶- گزینه ۲

- (۱) کشور
(۲) شهر
(۳) شهر
(۴) قاره

۵۶۷- گزینه ۲

- (۱) انسان
(۲) شگفتی
(۳) فرهنگ
(۴) تعطیلات

۵۶۸- گزینه ۳

از حرف اضافه on برای زمین استفاده می‌کنیم.

۵۶۹- گزینه ۳

- (۱) احساس ضعف کردن
(۲) مطمئن شدن
(۳) احساس زنده بودن کردن
(۴) بهتر انجام دادن

۵۷۰- گزینه ۲

هر گاه بر اساس پیش‌بینی و نظر شخصی خودمان مطمئن باشیم کاری در آینده رخ می‌دهد، از will استفاده می‌کنیم.

cloze 4

فرقی ندارد که شما یک گردشگر یا یک زائر باشید که می‌خواهد به کشورهای خارجی سفر کند. شما باید چند کار را برای آماده شدن انجام دهید: پیدا کردن یک آژانس خوب برای خرید بلیطتان و گرفتن روایت و تحقیق برای هتل‌های خوبی که به انتخاب مشتریان شما احترام می‌گذارند. اما فراموش نکنید که قبل از رفتن به نماینده فروش بلیط، باید درباره الگوهای فرهنگی مقصدتان مطالعه کنید. در مورد فرهنگ، باید درباره مسائل سلامت غذاها، انواع سرگرمی و هزاران چیز دیگر مانند مؤدب بودن، ارزش صبر، و تمیزی آن کشور بدانید.

۵۷۱- گزینه ۴

از must برای بیان اجبار و ضرورت استفاده می‌کنیم.

۵۷۲- گزینه ۲

از حرف اضافه on برای فعل work استفاده می‌کنیم.

زیرساخت‌های گردشگری از جمله فرودگاه‌ها، حمل‌ونقل، هتل‌ها و غیره نیروی محرکه دیگر برای هر رشد چشمگیر هستند. ایران فاقد برخی از زیرساخت‌های اساسی مورد نیاز برای توسعه صنعت گردشگری خود است. تا ۵۰۰ هتل جدید برای برآورده کردن نیازهای اقامتی گردشگران باید ساخته شود اگر قرار است گامی جدی در جهت توسعه ظرفیت‌ها در جذب گردشگران برداشته شود.

تعامل مثبت بین شهروندان و گردشگران نیز عامل مهمی است که بر این تجارت تأثیر می‌گذارد.

۵۸۰- گزیده ۱ براساس متن، به‌طور غیرمستقیم می‌فهمیم که
 (۱) اگر آفریقا حیات وحش غنی نداشت، گردشگران زیادی را جذب نمی‌کرد
 (۲) برزیل با ساختن مهمان‌سراهای زیادی صنعت گردشگری خود را توسعه داده است

(۳) بیشتر هتل‌های ایرانی پذیرای هیچ گردشگری نیستند و به آن‌ها اقامت نمی‌دهند

(۴) ساختن فرودگاه‌ها کمکی به توسعه زیرساخت‌های گردشگری نخواهد کرد

۵۸۱- گزیده ۲ یک جمله مناسب برای حمایت کردن از آخرین پاراگراف می‌تواند باشد.

(۱) رستوران‌های محلی فقط باید غذاهای محلی سرو کنند
 (۲) هم هتل‌های مجلل و هم مسافرخانه‌های ارزان باید در سراسر کشور ساخته شوند
 (۳) وقتی صحبت از این موضوع می‌شود، مانع زبانی چالش اصلی است و همه آن‌هایی که در این صنعت مشغول هستند باید در یک زبان خارجی یا بیشتر روان باشند

(۴) ایران یک کشور چهارفصل است و گردشگران می‌توانند بیشترین لذت آرامش در تفریحگاه‌های گوناگون مانند جزایر خلیج فارس را تجربه کنند

۵۸۲- گزیده ۳ واژه «they» در پاراگراف ۱، خط سه به اشاره دارد.
 (۱) ایرانیان (۲) گردشگران (۳) زائرین (۴) راه‌حل‌ها

۵۸۳- گزیده ۴ به نظر می‌رسد که نویسنده از این متن به منظور استفاده می‌کند.

(۱) دسته‌بندی کردن یک مفهوم فلسفی به جنبه‌های مختلف آن
 (۲) معنی کردن یک واژه جدید و فنی
 (۳) بحث کردن و اثبات یک نکته با مثال
 (۴) توضیح دادن یک ایده و صحبت کردن درباره آن به‌طور جزء به جزء

Reading passage 3

علاوه بر بخش‌های اقتصادی که قبلاً ذکر شد، صنعت گردشگری منبع موثق دیگر درآمد برای ایران است. تقریباً هر ساله ۱/۲۴ میلیارد ورود گردشگر بین‌المللی در سراسر جهان وجود دارد که بیش از ۱/۲۲ تریلیون دلار آمریکا به عنوان درآمد گردشگری بین‌المللی ایجاد می‌کند. به همین دلیل است که هر کشوری می‌کوشد سهمش را از چنین مقدار کلان درآمد داشته باشد که انتظار می‌رود حتی در سال‌های آینده رشد بیشتر داشته باشد.

۵۷۶- گزیده ۳ عنوان اصلی پاراگراف دوم است.

(۱) توسعه صنعتی برای رشد طبیعت‌گردی ضروریست
 (۲) طبیعت‌گردی طبیعت را ویران می‌کند و به ساکنین آزار می‌رساند
 (۳) طبیعت‌گردی هم برای مردم محلی و هم برای زمین‌باززش است
 (۴) سفر کردن فعالیتی است که می‌تواند به ما کمک کند درباره فرهنگ‌ها و مناطق دیگر جهان بیشتر بدانیم

۵۷۷- گزیده ۳ براساس متن، به‌طور غیرمستقیم بیان شده است که گردشگران می‌توانند به اقتصاد جوامعی که کمک کنند.

(۱) از طریق توسعه صنعتی به سرعت رشد می‌کنند
 (۲) از ظرفیت‌هایشان در تجارت و دادوستد بهره ببرند
 (۳) هیچ روش صنعتی برای رشد ندارند
 (۴) بخشی از کشورهای توسعه‌یافته هستند و به گردشگران نیاز ندارند

۵۷۸- گزیده ۳ همه واژگان زیر به‌جز در متن یک مترادف دارند.
 (۱) محل (۲) گردشگر (۳) سفر (۴) کیفیت

۵۷۹- گزیده ۲ در آخرین پاراگراف، انتظار می‌رود که نویسنده
 (۱) مثال‌های بیشتری از مشکلاتی که توسط گردشگران برای افراد محلی ایجاد می‌شود، بیاورد

(۲) راه‌حلی را ارائه دهد که طبیعت‌گردی برای مشکلات ذکر شده دارد
 (۳) شکل جدیدی از گردشگری را معرفی کند که به کشورهای فقیر کمک می‌کند
 (۴) نقش گردشگری در افزایش دانش ما درباره جهان را شرح دهد

Reading passage 2

ایران کشوری با فرهنگ و تمدنی باستانی است و بناهای تاریخی متعدد و زیبایی طبیعی خیره‌کننده دارد. اما هر ساله فقط ۴ میلیون گردشگر از ایران دیدن می‌کنند و بیشتر آن‌ها یا زائر هستند یا به خاطر این‌که به خدمات پزشکی نیاز دارند به ایران سفر می‌کنند. به منظور بحث کردن درباره راه‌حل‌های ممکن برای رشد صنعت گردشگری ایران، عوامل اصلی که بر جذب گردشگر تأثیر می‌گذارند باید مورد توجه قرار گیرند.

طبیعت اولین و مهم‌ترین عامل برای جذب گردشگر است. واضح است که، گردشگران ترجیح می‌دهند جاهایی را ببینند که زیبایی طبیعی خیره‌کننده‌ای داشته باشد. بنابراین رودخانه‌ها، دریاچه‌ها، حوضچه‌ها، جنگل‌ها، آبشارها، کوه‌ها و غیره اهمیت زیادی دارند و ما باید برای محافظت کردن از آن‌ها نهایت تلاشمان را بکنیم. حیات وحش نیز یک عامل مهم در جذب گردشگران و مسافران است. برای مثال بسیاری از گردشگران تنها به این دلیل که فرصت تماشای حیوانات وحشی متعدد را دوست دارند با سافاری به برخی از کشورهای آفریقایی سفر می‌کنند.

رویدادها و جشنواره‌های فرهنگی هم‌اکنون دلیل دیگری برای گردشگران خارجی به منظور سفر کردن به یک کشور خاص است زیرا آن‌ها دوست دارند از آن رویدادها لذت ببرند و در آن‌ها شرکت کنند. برای مثال، برزیل کشوری است که هر ساله میلیون‌ها گردشگر به خاطر جشنواره‌های پرهیجان از آن دیدن می‌کنند.



Reading passage 4

تاج‌محل که به معنی «تاج قصرها» است یکی از هفت شگفتی جدید جهان است و تصور می‌شود که جواهر هنر اسلام در هند باشد. تاج‌محل یک کاخ مرمری سفید در ساحل رود یومانا در آگرا است، و با قصرهای دیگر در سراسر جهان مقایسه می‌شود، و شبیه به الماسی درخشان روی یک تاج است. تاگور، شاعر معروف هندی، آن را «اشکی بر گونهٔ ابدیت» می‌نامد. آن یکی از محبوب‌ترین مکان‌ها برای دیدن گردشگران بین‌المللی است و هر ساله پذیرای بیش از سه میلیون گردشگر است، که هر روز میزبان ۵۰۰۰۰ گردشگر در فصل پررونق است. اگرچه تاج‌محل شاهکار معماری و طراحی است و به زیبایی در نور آفتاب و مهتاب می‌درخشد، اما شهرتش به خاطر داستان عاشقانه‌ای است که در پس خود دارد.

شاه‌جهان، امپراطور هند، در سال ۱۶۲۷ بعد از عزل پدرش، جهانگیر، شروع به حکمرانی بر بخش‌های شمالی هند کرد. شاه‌جهان سه همسر داشت، اما او ارجمندبانو بیگم که در سال ۱۶۱۲ با او ازدواج کرده بود را از دو همسر دیگرش بیشتر دوست داشت. به این دلیل است که به او لقب ممتازمحل، به معنی «ملکهٔ برگزیدهٔ دربار» داد. در حقیقت، او ملکهٔ دربار شوهرش بود و صاحب ۱۴ فرزند شدند. اما شاه‌جهان در سال ۱۶۳۱ بعد از این‌که آخرین فرزندشان متولد شد او را از دست داد و آن‌چنان مصیبت بزرگی برایش بود که تصمیم گرفت مقبرهٔ باشکوهی برای او بسازد.

او فوراً احمد لاهوری که یک معمار ایرانی بود را استخدام کرد و از او خواست این مقبره را طراحی کند و بسازد. معمار همراه با ۲۰۰۰۰ کارگر از هند، ایران، و اروپا و بعضی جاهای دیگر این بنای یادبود باشکوه را ساختند. در ضمن، آن‌ها از ۱۰۰۰ فیل در این جریان عمل که تقریباً ۲۰ سال به طول انجامید استفاده کردند. بعدها لاهوری قلعهٔ قرمز را طراحی کرد و ساخت. این بنای یادبود گنبد مرکزی به ارتفاع ۷۳ متر، همراه با یک مسجد زیبا، چند استخر و باغ دارد. دولت هند تصمیم گرفته است عبور و مرور را در این محله محدود کند و برای محافظت کردن از این کاخ زیبا کارخانه‌ها را تعطیل کند.

۵۸۸- **گزینه ۱** نویسنده از چه نوع رویکرد زبانی برای نوشتن اولین پاراگراف استفاده کرده است؟

- (۱) توصیف شاعرانه و ادبی این بنای یادبود
- (۲) توصیف رسمی بناهای یادبود هند
- (۳) تعریف دقیق یک اصطلاح تاریخی
- (۴) تمثیل علمی از انواع مختلف کاخ‌ها

۵۸۹- **گزینه ۴** براساس متن، می‌توانیم بفهمیم که ۲۰ سال طول کشید.

- (۱) دعوت کردن از معمار
- (۲) حکمرانی شاه‌جهان
- (۳) زندگی زناشویی ممتازمحل با شاه‌جهان
- (۴) ساخت تاج‌محل

اعداد و ارقام گردشگر بین‌المللی هم‌چنان افزایش خواهد یافت فقط به این خاطر که مردم عموماً ثروتمندتر می‌شوند و تمایل پیدا می‌کنند برای سفر و تعطیلات پول بیشتری خرج کنند. به عنوان مثال، چین دارد از لحاظ اقتصادی رشد می‌کند و مردمش دارند ثروتمندتر می‌شوند، بنابراین تمایل بیشتری برای سفر به کشورهای دیگر دارند. در نتیجه، بعضی از کشورها هم‌اکنون قصد دارند تا می‌توانند بیشترین تعداد گردشگران چینی را جذب کنند.

در واقع، مردم به دلایل زیادی از جمله استراحت و تفریح و لذت، مطلع شدن از تاریخ و فرهنگ یک مکان، آرامش فعالیت‌های سرگرم‌کننده مانند اسکی، دیدن دوستان و خانواده، و تجارت کردن سفر می‌کنند. کشورهای تراز اول جهان در جذب گردشگر بین‌المللی مانند فرانسه، آمریکا، اسپانیا، چین و ایتالیا از مفادیر کلان پولی که گردشگران خرج می‌کنند بهره می‌برند. برای مثال، هر ساله فرانسه میزبان تقریباً ۸۵ میلیون گردشگر است که کمک شایانی به اقتصادش می‌کند.

یقیناً، ایران استثنا نیست و نیاز به سرمایه‌گذاری روی توسعهٔ صنعت گردشگری‌اش دارد به ویژه چون طیف وسیعی از جاذبه‌های گردشگری از جمله مناظر طبیعی، اماکن تاریخی، غذاهای محلی، و خیلی بیشتر دارد. ۵۸۴- **گزینه ۲** براساس گفتهٔ نویسنده، صنعت گردشگری در آینده رشد بیشتری خواهد کرد زیرا مردم

- (۱) دوست دارند بیشتر سفر کنند بنابراین سخت کار می‌کنند و پول بیشتری کسب می‌کنند
- (۲) پول بیشتری کسب می‌کنند و در نتیجه ترجیح می‌دهند بخشی از پولشان را به سفر کردن و دیدن جهان خرج کنند
- (۳) کشورهای خارجی برای گردشگران بین‌المللی جذاب‌تر می‌شوند
- (۴) مردم فقط ترجیح می‌دهند در کشورهای خارجی به تعطیلات بروند زیرا می‌توانند استراحت و سرگرمی بیشتری داشته باشند.

۵۸۵- **گزینه ۳** به احتمال زیاد، عنوان اصلی پاراگرافی که بعد از این متن می‌آید بوده است.

- (۱) گردشگر محلی و نقشش در توسعهٔ گردشگر بین‌المللی
- (۲) رتبهٔ ایران در صنعت گردشگری بین‌المللی
- (۳) نقش کشاورزی و صنعت در توسعهٔ اقتصاد ملی
- (۴) رابطهٔ بین یادگیری مهارت‌های عملی و فرصت‌های شغلی

۵۸۶- **گزینه ۴** عبارت «such a huge amount of revenue» در پاراگراف یک به اشاره دارد.

- (۱) ۱/۲۴ میلیارد گردشگر (۲) هر کشور
- (۳) بخش‌های اقتصادی ایران (۴) ۱/۲۲ تریلیون دلار آمریکا

۵۸۷- **گزینه ۱** یک عنوان مناسب برای این متن می‌تواند باشد.

- (۱) توسعهٔ صنعت گردشگری یک فرصت اقتصادی است
- (۲) چین یک کشور درحال توسعه و قدرت اقتصادی در جهان است
- (۳) درآمد گردشگری بین‌المللی آن‌قدر چشمگیر نیست
- (۴) چرا گردشگری بین‌المللی جذابیتش را در آیندهٔ نزدیک از دست خواهد داد

سوالات کنکور سراسری ۹۸

انجری

1. Mr. Thomson has just received an offer for a job but he what to do about it yet.
1) didn't decide 2) hadn't decided 3) hasn't decided 4) won't decide
2. speak it fluently takes more time than I previously thought.
1) Able to learn a foreign language for 2) I learn a foreign language to be able to
3) Learning a foreign language to be able to 4) Learn to be able for a foreign language for me
3. The bus drivers a rest, as they have just returned from a long trip.
1) will need 2) must need 3) should be needed 4) who are going to need
4. I should say that I haven't seen man than Peter in my whole life so far.
1) as generous as a 2) a more generous 3) the most generous 4) the most generous of
5. If you just the great number of people who are leaving our town in search for a job somewhere else, you may rightly conclude that our town has no future.
1) consider 2) suggest 3) suppose 4) expect
6. It is no surprise that Neil didn't learn much in that course; he actually didn't attend classes as as he should have.
1) really 2) necessarily 3) emotionally 4) regularly
7. Parents often forget how important it is to talk to a child, and I think that lack of communication between these two makes understanding more difficult.
1) customs 2) diversities 3) combinations 4) generations
8. I can't believe you all of my shampoo and just left the empty bottle in the shower!
1) died out 2) used up 3) gave up 4) put aside
9. A: Dr. Gharib was a dedicated physician who was very friendly and helpful to poor families.
B: ! I didn't know such a great man.
1) It's a pity 2) Well done 3) I hope not 4) Not surprisingly
10. Now that their business is good enough, they plan to their store by adding another room.
1) replace 2) expand 3) provide 4) found
11. A proper diet, a balanced lifestyle, practicing sports and avoiding can help us live a healthy and long life.
1) fuels 2) chemicals 3) pleasures 4) addictions
12. A person can gain fast by adding 500 calories to a daily diet, eating 180 grams of protein each day, and consuming high quality carbohydrates.
1) size 2) weight 3) illness 4) blood pressure

cloze

The modern age is an age of electricity. People are so used to electric lights, radio, televisions, and telephones that it is hard to⁽¹³⁾..... what life would be like without them. When there is a power failure, people are badly affected. Cars may be stuck in heavy traffic because there are no traffic lights⁽¹⁴⁾....., and food goes bad in silent refrigerators.

واژگان بخش شنیداری و پنهان کتاب

absent	غایب	If all goes well	اگر همه چیز خوب پیش برود ...
as far as I know	تا جایی که می دانم	indeed	در واقع، واقعاً
at once	یک باره، یک دفعه، فوراً	insight	بصیرت، بینش
bookstore	کتابفروشی	It seems to be OK.	به نظر خوب است.
but	به جز	journalist	خبرنگار، روزنامه نگار
cellphone	تلفن همراه	move	حرکت
chalk	گچ	on the road	در حال سفر
challenge	چالش	on top of	بالا تر از، مهم تر از
close	۱- صمیمی ۲- نزدیک	pomegranate	انار
come over	به دیدن کسی آمدن	pull over	(ماشین) کنار رفتن، کنار زدن
cooling towers of a power plant	برج های خنک کننده نیروگاه برق	refinery	پالایشگاه
corresponding	متناظر، مطابق	rob	دزدیدن
credit card	کارت اعتباری	so far	تا به این جا، تا الان، تا کنون
curious	کنجکاو	stare	خیره شدن
delirious	(پزشکی) دچار هذیان، هذیانی	take a look	نگاه انداختن
dictator	دیکتاتور	take medicine	دارو مصرف کردن
dictatorial	دیکتاتوری	Thank God	خدا را شکر
dictatorially	دیکتاتورمآبانه	That's the point.	نکته همین است.
diction	(ادبیات) طرز بیان، شیوه سخن	They didn't work.	(برنامه، نقشه و...) جواب ندادند.
educated guess	حدس قریب به یقین	trouble	دردسر، دشواری
etymology	(زبان شناسی) ریشه شناسی	ups and downs	بالا و پایین، فراز و نشیب
exhibition	نمایشگاه	wave	تکان دادن؛ موج
first of all	اول از همه	What a pity!	چه حیف!
go through	تجربه کردن، متحمل شدن	whisper	نچوا کردن، در گوشی صحبت کردن
gorgeous	رنگین، باشکوه، زیبا	whole	کل، همه
greenspace	فضای سبز	wisdom	خرد، دانایی
groceries	خوراوبار	workout	تمرین، ورزش
hit	ضربه زدن، برخورد کردن	worship	پرستیدن
How's everything?	اوضاع چه طور است؟	worth	ارزش، ارزش داشتن؛ باارزش